

منبع آزمون کتبی مفاهیم قرآن کریم

تفسیر سوره مبارکه «نور»

براساس تفسیر نور – تالیف استاد قرائتی

نهمین دوره مسابقات
قرآن کریم ، اذان و نهج البلاغه
منطقه آزاد ارس

جلفا – پائیز ۱۴۰۴



سیمای سوره‌ی نور

این سوره شصت و چهار آیه دارد و در مدینه نازل شده است. علت نام‌گذاری این سوره به «نور»، آیه‌ی سی و پنج آن است که خداوند را به عنوان نور آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند. از آنجا که در این سوره سفارش‌های بسیار در مورد رعایت عفت و پاکدامنی صورت گرفته، در روایات نسبت به فراگیری و قرائت این سوره توسط زنان، تأکید شده است.

احکام مجازات مردان و زنان زناکار و کسانی که به زنان پاکدامن تهمت زنا بزنند، همچنین ماجرای معروف «افک»، حکم حجاب و رعایت پاکدامنی برای جلوگیری از انحرافات، دیگر موضوعاتی است که این سوره به آنها می‌پردازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ

تَذَكَّرُونَ

(این) سوره‌ای است که آن را نازل کردیم و (عمل به) آن را واجب کردیم و در آن آیاتی روشن فرستادیم. شاید شما متذکر شوید.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «سوره» یک نام‌گذاری از طرف خداوند برای یک مجموعه آیات از قرآن کریم است. «سوره... انزلنا فیها آیات»

پیام‌ها:

- ۱- احکام، به دستور خداوند واجب شده است. «فرضناها»
- ۲- قرآن، قانون الزامی و اجرایی دین است. «فرضناها»
- ۳- آیات قرآن، روشن و قابل فهم است. «فیها آیات بینات» (گرچه درک قسمتی از آیات نیازمند تحقیق و تفسیر است)
- ۴- انسان به پند و تذکر نیازمند است. «لعلکم تذکرون»
- ۵- اصول معارف قرآن در فطرت انسان ریشه دارد و با تذکر، پرده‌ی غفلت برداشته می‌شود. «تذکرون»

﴿۲﴾ اَلْزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، در اجرای حکم خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و هنگام کیفر آن دو، گروهی از مؤمنان حاضر و ناظر باشند.

نکته‌ها:

□ احکام زنا بر اساس شرایط افراد متفاوت می‌شود، در این آیه فقط به یک صورت اشاره شده که اگر مرد یا زن مجردی زنا کند، صد تازیانه می‌خورد، ولی اگر کسی با داشتن همسر و دسترسی به او، مرتکب زنا شود، رجم و سنگسار می‌گردد.

مفاسد زنا در قرآن و روایات

□ قرآن، زنا را کاری زشت می‌داند و از نزدیک شدن به آن نهی می‌کند. ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا﴾^(۱) ترک زنا را نشانه‌ی بندگان راستین خداوند می‌شمرد. ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ... لَا يَزْنُونَ﴾^(۲) و دوری از این گناه را شرط بیعت با پیامبر می‌داند. ﴿إِذَا جَاءَكَ... وَلَا يَزْنِينَ﴾^(۳)

□ برخی از مفاسد اجتماعی زنا، در یکی از سخنان حضرت رضا (علیه السلام) چنین عنوان شده است:

۱. ارتکاب قتل به واسطه‌ی سقط جنین.
۲. بر هم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی.
۳. ترک تربیت فرزندان.
۴. از بین رفتن موازین ارث.^(۴)

* حضرت علی (علیه السلام) ترک زنا را مایه‌ی استحکام خانواده و ترک هم‌جنس‌بازی را عامل حفظ

۳. ممتحنه، ۱۲.

۲. فرقان، ۶۳ - ۶۸.

۱. اسراء، ۳۲.

۴. بحار، ج ۷۹، ص ۲۴.

نسل می‌داند.^(۱)

* پیامبر اکرم ﷺ فرمود: زنا دارای زیان‌های دنیوی و آخروی است:

اما در دنیا: از بین رفتن نورانیت و زیبایی انسان، مرگ زودرس و قطع روزی.

اما در آخرت: درماندگی، هنگام حساب قیامت؛ غضب الهی و جهنم همیشگی.^(۲)

* از پیامبر ﷺ نقل شده است: هر گاه زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می‌شود.^(۳)

* زنا نکنید، تا همسران شما نیز به زنا آلوده نشوند. آن گونه که با دیگران رفتار کنید، با شما رفتار خواهد شد.^(۴)

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

* چهار چیز است که هر یک از آنها در هر خانه‌ای باشد، آن خانه، ویرانه است و برکت ندارد:

۱. خیانت. ۲. دزدی. ۳. شرابخواری. ۴. زنا.^(۵)

* زنا، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است.^(۶)

* امام صادق (ع) فرمود: هر گاه مردم مرتکب چهار گناه شوند، به چهار بلا گرفتار شوند:

۱. زمانی که زنا رواج یابد، زلزله خواهد آمد.

۲. هر گاه مردم زکات نپردازند، چهار پایان به هلاکت می‌رسند.

۳. هرگاه قضاوت مسئولان قضایی، ظالمانه باشد، باران نخواهد بارید.

۴. زمانی که پیمان شکنی رواج یابد، مشرکان بر مسلمانان غلبه خواهند کرد.^(۷)

پیام‌ها:

- ۱- آزادی جنسی و روابط نامشروع، در اسلام ممنوع است. «الزَّانِيَةُ... فَاجْلِدُوا...»
- ۲- نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدمات آن، از مردان بیشتر است، به همین دلیل کلمه زانیه قبل از کلمه زانی آمده است. «الزَّانِيَةُ وَ...»

۲. بحار، ج ۷۷، ص ۵۸.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۵. بحار، ج ۷۶، ص ۱۹.

۴. بحار، ج ۷۶، ص ۲۷.

۳. بحار، ج ۷۳، ص ۳۷۲.

۷. بحار، ج ۷۶، ص ۲۱.

۶. بحار، ج ۷۶، ص ۱۹.

الزَّانِي ﴿بر خلاف دزدی که نقش مردان بیشتر است و لذا کلمه سارق، بر سارقه مقدم شده است.﴾ السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ ﴿^(۱)

۳- تنبیه بدنی زانی، برای تأدیب او و حفظ عفت عمومی لازم است. ﴿فاجلدوا﴾
 ۴- در روابط نامشروع هر دو طرف به یک میزان تنبیه می شوند. (مگر در مواردی که حکم خاصی دارد) ﴿کل واحد﴾

۵- حدود کیفر باید از طرف خداوند معین شود. ﴿مأة جلدة﴾

۶- در مجازات مجرمان، ترحم و تحت تأثیر عواطف قرار گرفتن، روا نیست. ﴿لا تأخذکم بهما رأفة﴾

۷- محبت و رأفت باید در مدار شرع باشد. ﴿لا تأخذکم بهما رأفة﴾

۸- دین، تنها نماز و روزه نیست؛ اجرای حدود الهی نیز از دین است. ﴿فی دین الله﴾

۹- صلابت و قاطعیت در اجرای حدود الهی، در سایه ایمان به مبدأ و معاد به دست می آید. ﴿إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر﴾

۱۰- مجازات مجرم، باید مایه عبرت دیگران شود. ﴿وليشهد عذابها﴾

۱۱- زناکار، علاوه بر شکنجه ی جسمی، از نظر روحی نیز باید زجر ببیند. ﴿وليشهد عذابها طائفة...﴾

۱۲- در مراسم اجرای حد الهی، گروهی از مؤمنان حضور داشته باشند. ﴿من المؤمنین﴾

﴿ ۳ ﴾ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

مرد زناکار، جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند. و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد. و این (زناشویی) بر مؤمنان حرام است.

نکته‌ها:

- این آیه، حال و هوای آیه‌ی «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ» را دارد که در آیه ۲۶ همین سوره می‌آید و بیانگر این اصل است که: کبوتر با کبوتر، باز با باز.
- در این آیه، زناکار در کنار مشرک قرار گرفته است. «زانیة او مشرکة»
- علاوه بر تنبیه جسمی و اجتماعی، باید محدودیت‌های دیگری نیز برای زناکار باشد.
- در روایات آمده است که حکم این آیه در باره‌ی کسانی است که به زنا شهرت دارند. و اگر زناکاری توبه کرد می‌تواند مانند دیگران با فرد دلخواهش ازدواج کند.^(۱)
- امام باقر علیه السلام فرمود: در این آیه، خداوند زناکار را در برابر مؤمن قرار داده و این نشان می‌دهد که زناکار در هنگام زنا مؤمن نیست.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- در ازدواج، کفو بودن، یعنی همسان و هم‌شان بودن همسران، یک اصل است. زیرا زنان و مردان ناپاک، لایق همسران پاک نیستند. «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً»
- ۲- افراد فاسد، در جامعه اسلامی از برخی حقوق محرومند. «لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً»
- ۳- مردان و زنان مؤمن، باید همسران پاک و پاکدامن انتخاب کنند. «حَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

و کسانی که به زنان پاکدامن و شوهردار نسبت زنا می‌دهند و چهار شاهد نمی‌آورند، پس هشتاد تازیانه به آنان بزنید و گواهی آنان را هرگز نپذیرید و آنان خود فاسقند.

۱. تفسیر المیزان؛ کافی، ج ۵، ص ۳۵۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۲.

نکته‌ها:

□ گرچه در آیات قبل، سخن از کیفر زناکاران به میان آمد، اما اثبات زنا، امری آسان و سهل نیست، بلکه باید چهار نفر عادل به تحقق آن گواهی دهند و اگر کمتر از چهار نفر در دادگاه حاضر شوند، هر کدام هشتاد ضربه شلاق می‌خورند.

□ از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا برای اثبات قتل دو شاهد لازم است، ولی برای اثبات زنا چهار شاهد؟ حضرت فرمود: با ثابت شدن قتل، یک نفر به کیفر می‌رسد، اما با اثبات زنا، دو نفر (زن و مرد زناکار)^(۱).

□ در میان تهمتهای گوناگون، تهمت زنا حدّ و قانون معین دارد و قرآن با صراحت بر آن تکیه کرده است. «ثمانین جلدة»

□ تهمت به قدری مهم است که در مجازات مجرم، فاصله‌ی تهمت زنا با خود زنا بیست ضربه شلاق است. «مأة جلدة - ثمانین جلدة»

□ کسی که به دیگران تهمت زنا بزند، شهادت و گواهی‌اش اعتبار ندارد. «لا تقبلوا لهم شهادة»

پیام‌ها:

- ۱- تهمت، به منزله‌ی پرتاب تیر و هجوم به آبروی مردم است. «یرمون»
- ۲- تهمت زدن به زنان همسر دار و پاکدامن، کیفر سخت‌تری دارد. «المحصنات»
- ۳- دفاع از حریم زنان پاکدامن واجب است. «یرمون المحصنات... فاجلدوهم»
- ۴- برای حفظ آبروی مردم، گاهی افراد متعدّد شلاق می‌خورند. «فاجلدوهم»
- ۵- تهمت، هم عقوبت بدنی دارد، «فاجلدوهم» هم اجتماعی، «لا تقبلوا لهم شهادة ابدا» و هم اخروی. «اولئك هم الفاسقون»
- ۶- در فسق کسانی که به زنان پاکدامن تهمت می‌زنند، شک نکنید. «هم الفاسقون»
- ۷- شرط گواه شدن، عدالت است و گواهی فاسق قبول نیست. «لا تقبلوا لهم شهادة... هم الفاسقون»

۱. تفسیر کنزالدقائق.

﴿ ۵ ﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر کسانی که پس از آن (تهمت زدن) توبه کنند و در مقام اصلاح (و جبران) برآیند، که قطعاً خداوند آمرزنده و مهربان است.

نکته‌ها:

□ در حدیث می‌خوانیم: توبه کسی که آبروی زنان پاکدامن را برده، این است که در محضر مردم گفته خود را تکذیب نماید.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- توبه، سبب تجدید حیات دینی و اجتماعی است. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا... وَأَصْلَحُوا﴾
- ۲- در دین الهی، حتی گنهکاران به بن بست نمی‌رسند. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا﴾
- ۳- توبه، باید با اصلاح و جبران اشتباه و عمل نیک همراه باشد. ﴿تَابُوا... وَأَصْلَحُوا﴾
- ۴- ناامیدی از مغفرت و رحمت الهی، بی‌جاست. ﴿إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
- ۵- باز بودن راه توبه برای همه، نشانه‌ی رحمت الهی است. ﴿رَحِيمٌ﴾

﴿ ۶ ﴾ وَالَّذِينَ يَزْمُونَ أَرْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ

فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

و کسانی که به همسران خود نسبت زنا دهند، و جز خودشان شاهدهی نداشته باشند، گواهی هر یک از آنان چنین است که چهار مرتبه به خدا سوگند یاد کند که از راستگویان است.

﴿ ۷ ﴾ وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

و پنجمین بار (بگوید): لعنت خدا بر او اگر از دروغگویان باشد!

﴿۸﴾ وَيَذَرُهَا الْعَذَابُ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللهِ إِنَّهُ لَمِنَ
الْكَاذِبِينَ

و عذاب (سنگسار) را از آن زن دفع می‌کند، اینکه او (در مقام دفاع) چهار بار به خدا قسم بخورد شوهرش (در این نسبتی که به او می‌دهد) از دروغگویان است.

﴿۹﴾ وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

و مرتبه پنجم (بگوید): غضب خدا بر او باد اگر شوهرش از راستگویان باشد.

﴿۱۰﴾ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، و اینکه خداوند توبه‌پذیر و حکیم است. (رسوا می‌شدید و نظام خانوادگی شما مختل می‌شد)

نکته‌ها:

□ شخصی به نام «هلال بن امیه» با اضطراب بر پیامبر ﷺ وارد شد و عرض کرد: زنم را در حال زنا دیدم، به خدا سوگند راست می‌گویم. پیامبر ﷺ ناراحت شد. اصحاب آن حضرت نیز هیجان زده شدند که این مرد، هم ناموسش را در چنین حالی دیده است و هم شلاق خواهد خورد، زیرا شاهی ندارد تا سخن خود را ثابت کند. این آیه نازل شد و فرمود: اگر مردی به همسرش نسبت زنا داد و شاهی نداشت، به جای آوردن چهار شاهد، چهار بار بگوید: «أشهد بالله اني لمن الصادقين» خدا را گواه می‌گیرم که من از راستگویانم. و برای تحکیم و تثبیت ادعای خود یک بار هم این جمله را بگوید: «لعنة الله على ان كنت من الكاذبين» لعنت خدا بر من اگر از دروغگویان باشم.

البته زن نیز همچون شوهرش حق دارد از خود دفاع کند، زیرا ممکن است مردی با چهار سوگند دروغ، همسر خود را به سنگسار شدن محکوم کند و برای همیشه آبروی او و بستگانش را ببرد. اسلام که حامی حقوق همگان است برای پیشگیری از وقوع این کار، به زن نیز اجازه داده است تا برای اثبات پاکدامنی خود و نجات از سنگسار، چهار بار سوگند یاد

کند و چنین بگوید: «أشهد بالله أنه لَمِنَ الكاذِبِينَ» خدا را گواه می‌گیرم که همسر من از دروغگویان است. و برای محکم کاری بیشتر بگوید: «غَضِبَ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» قهر و غضب خدا بر من اگر همسر من از راستگویان باشد.

به هر حال، اگر در محضر قاضی و حاکم اسلامی، این ده جمله (پنج جمله از مرد و پنج جمله از زن) گفته شود، در اصطلاح به این کار، «لِئَان» (یکدیگر را لعن کردن) می‌گویند. البته در این مورد مسائل فقهی و حقوقی خاصی مطرح است. قاضی باید زن و شوهر را موعظه نماید و سعی کند لئان واقع نشود و در صورت لزوم اجرا، آن دو را به مکان‌های مقدّس مانند مسجد ببرد و رو به قبله بنشانند، آن گاه مراسم لئان انجام گیرد.

□ با اجرای لئان و سوگند خوردن زن و شوهر و گفتن جمله‌های ذکر شده، اسلام قوانینی را در نظر گرفته است که باید به آنها عمل شود:

۱. این زن و مرد، بدون صیغه‌ی طلاق، برای همیشه از یکدیگر جدا می‌شوند و حقّ مراجعه و ازدواج مجدد ندارند.

۲. حدّ از هر دو برداشته می‌شود، یعنی مرد، هشتاد ضربه شلاق نمی‌خورد و زن، سنگسار نمی‌شود.

□ قرار دادن چهار شاهد یا چهار سوگند، آن هم با لعنت و غضب، برای اثبات زنا، نشانه‌ی آن است که خداوند با فضل و رحمت خود از طریق این گونه احکام، مانع رسوایی افراد شده و گرنه هر روز خانواده‌هایی رسوا و قبیله‌ها و فامیل‌هایی به تباهی کشیده می‌شوند.

پیام‌ها:

۱- حفظ آبرو در اسلام مورد توجّه است. ﴿أربع شهادات بالله﴾ (قانون چهار

سوگند و یک لعنت بر خود، برای کنترل مردم از رسوا کردن یکدیگر است)

۲- در اثبات زنا، همسر، چهار سوگند و یک لعنت، به جای چهار شاهد پذیرفته

است. ﴿إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ... فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَع شهادات﴾

۳- اسلام، حامی حقوق زن است. زن نیز با چهار سوگند می‌تواند اتّهامی را که

مرد با چهار سوگند اثبات کرده، از خود دفع کند. ﴿أربع شهادات... أَرْبَع شهادات﴾

۴- اسلام برای پیشگیری از فرو پاشی نظام خانواده، علاوه بر چهار بار خدا را گواه گرفتن، گفتن جمله‌ی پنجمی را نیز بر هر یک از طرفین واجب کرده است. ﴿والخامسة﴾

۵- نفرین برخود، برای رفع اتهام از خود جایز است. ﴿غضب الله علیها﴾

۶- اجرای قوانین و دستورات خداوند، به نفع خود مردم است. ﴿ولولا فضل الله علیکم﴾

۷- عذر پذیری خداوند، با مصلحت و حکمت همراه است. ﴿تَوَابٌ حَکِیمٌ﴾

۸- قوانین کیفری اسلام، احکامی برخاسته از حکمت الهی است. ﴿حَکِیمٌ﴾

﴿۱۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

همانا کسانی که آن دروغ بزرگ را (در میان) آوردند، گروهی از خود شما بودند. آن را برای خود شرّ نپندارید، بلکه آن (در نهایت) به نفع شماست. بر عهده هر کدام از آنان، بدان اندازه از گناه است که مرتکب شده است و برای کسی که بخش بزرگ آن را انجام داده، عذاب بزرگی است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «إفک» در لغت، به معنای گرایش از حقّ به باطل است. تهمت زدن نیز نوعی پوشاندن حقّ و جلوه دادن باطل است.

□ برخی مفسران درباره شأن نزول این آیه گفته‌اند: پیامبر اکرم ﷺ در هر سفری با قید قرعه یکی از همسرانش را همراه می‌برد. در جنگ «بنی مصطلق» عایشه را برد. وقتی که نبرد پایان یافت و مردم به مدینه بازمی‌گشتند، عایشه برای تطهیر و یا یافتن دانه‌های گردنبند گمشده‌اش از قافله عقب ماند. یکی از اصحاب که او نیز از قافله دور مانده بود، عایشه را به لشکر رساند. بعضی افراد به عایشه و آن صحابی، تهمت ناروا زدند. این اتهام به گوش مردم

رسید، پیامبر ناراحت شد و عایشه به خانه پدر رفت، تا آن که این آیه نازل شد.^(۱)

□ جمعی دیگر از مفسران و خصوصاً نویسندگان تفسیر «اطیب البیان» با استفاده از روایات متعدّد و مستند نقل می‌کنند که این آیه درباره‌ی «ماریه قبطیه» (یکی دیگر از همسران رسول خدا) است، که خداوند به او فرزندی به نام «ابراهیم» داد، ولی پس از ۱۸ ماه از دنیا رفت. عایشه و حفصه گفتند: ای رسول خدا! چرا گریه می‌کنی؟ ابراهیم فرزند تو نبود، بلکه شخص دیگری غیر از تو با ماریه همبستر شده و ابراهیم متولد شده است. اینجا بود که این آیه نازل شد. علامه جعفر مرتضی در کتاب گرانقدر (حدیث الافک) نیز این بیان را تأیید می‌کند. در مورد هر دو شأن نزول سؤالاتی مطرح است ولی چون هدف ما در این تفسیر، پیام‌گیری از متن آیات است، درباره‌ی شأن نزولها بحث گسترده‌ای نداریم.

□ در ماجرای افک چندین گناه نهفته است: دروغ، سوءظن به مؤمن، ایدای مؤمن، تهمت، اهانت، آزدن پیامبر ﷺ، تضعیف خاندان رسالت و شایعه‌پردازی.

پیام‌ها:

- ۱- افراد فاسق، از نسبت دادن زنا، حتی به همسر پیامبر نیز ابایی ندارند. ﴿جاءو بالافک﴾
- ۲- گاهی شایعه‌سازان، با سازماندهی قبلی و قصد توطئه، شایعه را القا می‌کنند. ﴿عُصْبَةٌ﴾ («عُصْبَةٌ» یعنی گروه متشکل و متعصبی که هدفی را دنبال می‌کند)
- ۳- مراقب شایعه‌سازان در میان خود باشید. ﴿منکم﴾
- ۴- گاهی در پیش آمدهای تلخ منافی وجود دارد. (مانند روشن شدن چهره‌ی منافقان، هوشیاری مردم، امدادهای الهی برای مظلوم) ﴿لاتحسبوه شراً لکم﴾
- ۵- امید دادن به مؤمنان در برابر توطئه و تهمت بدخواهان لازم است. ﴿بل هو خیر﴾
- ۶- کیفرهای الهی، عادلانه و متناسب با اعمال ماست. ﴿لکلّ امری منهم ما اکتسب﴾
- ۷- در گناهان دسته‌جمعی، هر یک از افراد به مقدار سهم خود مجرم است. ﴿لکلّ﴾

۱. تفسیر ابن‌کثیر.

امری منهم ما اکتسب من الاثم ﴿

۸- انسان زمانی مجرم و مقصّر است که با علم و قصد گناه کند. ﴿اِکتسب من الاثم﴾

۹- گناه هر کس گریبان گیر خود اوست. ﴿لَکُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اَکْتَسَبَ مِنَ الْاِثْمِ﴾

۱۰- مجازات کسی که نقش اصلی را در ارتکاب جرم دارد، بزرگ تر است.

﴿وَالَّذِي تَوَلَّى کِبَرَهُ... لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

﴿۱۲﴾ لَوْلَا اِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِاَنْفُسِهِنَّ

خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا اِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿۱۳﴾ لَوْلَا جَاءُو عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ

شُهَدَاءَ فَاِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَافِرُونَ

چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش

گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمتی بزرگ و آشکار است؟ چرا چهار

شاهد بر صحت آن تهمت نیاوردند؟ پس چون گواهان لازم را نیاوردند،

آنان نزد خدا همان دروغگویانند.

نکته‌ها:

□ خداوند در این آیه، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر و آسیب‌پذیری آنان در

برابر شایعات، توبیخ می‌کند.

□ قرآن گاهی به جای کلمه‌ی «دیگران» کلمه‌ی «شما» را به کار برده است تا به مسلمانان

بگوید: همه‌ی شما یکی هستید. مثلاً به جای این که بگوید: به دیگران نیش و طعنه نزنید،

می‌فرماید: ﴿لَا تَلْمِزُوا اَنْفُسَكُمْ﴾^(۱) به خودتان نیش نزنید. و به جای این که بگوید: وقتی

که وارد خانه‌ای شدید به دیگران سلام کنید، می‌فرماید: ﴿فَسَلِّمُوا عَلٰی اَنْفُسِكُمْ﴾^(۲) به

خودتان سلام کنید. در این آیه نیز به جای این که بگوید: به دیگران حسن ظن داشته باشید

می‌فرماید: «ظَنُّ... بِاَنْفُسِهِمْ خَيْرًا» به خودتان حسن ظن داشته باشید.

۱. حجرات، ۱۱.

۲. نور، ۶۱.

□ در قرآن کریم، کلمه‌ی «لولا» در موارد متعددی برای انتقاد و توبیخ به کار رفته است که در این جا چند مورد را ذکر می‌کنیم:

۱. «لولا يَنْهَاهُم الرَّبَّانِيُّونَ»^(۱) چرا علما نهی از منکر نمی‌کنند؟
۲. «لولا اذ سَمِعْتُمُوهُ»^(۲) چرا هر شنیده‌ای را می‌پذیرید؟
۳. «لولا جاءوا عليه بأربعة شُهَدَاء»^(۳) چرا برای سخن ناروای خود چهار شاهد نمی‌آورند؟
۴. «لولا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ»^(۴) چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید؟
۵. «فلولا اذ جاءهم بأُسْنَا تَضَرَّعُوا»^(۵) چرا زمانی که عذاب ما به آنان رسید، تضرع نکردند؟
۶. «فلولا تَشْكُرُونَ»^(۶) چرا شکرگزار نیستید؟
۷. «فلولا تَصَدَّقُونَ»^(۷) چرا تصدیق نمی‌کنید؟
۸. «فلولا تَذْكُرُونَ»^(۸) چرا عبرت نمی‌گیرید؟
۹. «فلولا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»^(۹) چرا از هر فرقه‌ای دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟

پیام‌ها:

- ۱- دامن زدن به شایعه و پخش آن، ممنوع است. («لولا» نشانه توبیخ از سوءظن و پخش شایعات است)
- ۲- در جامعه‌ی اسلامی باید روحیه‌ی حسن ظن حاکم باشد. «ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا» (حسن ظن، یکی از آثار ایمان است).
- ۳- مؤمنان در برابر آبروی یک «فرد» مسئول هستند. «المؤمنون و المؤمنات»
- ۴- بنی آدم اعضای یکدیگرند. تهمت به هر عضوی از جامعه‌ی اسلامی، همانند تهمت به دیگر اعضاست. «بأنفسهم خَيْرًا»

۱. مائده، ۶۳.	۲. نور، ۱۲.	۳. نور، ۱۳.
۴. نمل، ۴۶.	۵. انعام، ۴۳.	۶. واقعه، ۷۰.
۷. واقعه، ۵۷.	۸. واقعه، ۶۲.	۹. توبه، ۱۲۲.

- ۵- اصل اوّلیه در عمل مسلمان، صحت است، مگر جرم او با دلیل ثابت شود. ﴿ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا﴾
- ۶- حفظ حریم پیامبر ﷺ و خانواده‌اش بر هر مؤمنی واجب است. ﴿لَوْلَا... قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مِّبِينٌ﴾
- ۷- در برابر شنیده‌های ناروا در مورد مؤمنان، سکوت ممنوع است. ﴿لَوْلَا... قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مِّبِينٌ﴾
- ۸- جامعه‌ی ساده دل، زودباور و یاوه‌گو، تویخ می‌شود. ﴿لَوْلَا جَاءَ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ﴾
- ۹- تهمت اگر ثابت نشود، گوینده‌ی آن دروغگو محسوب می‌شود. ﴿هُمْ الْكَاذِبُونَ﴾

﴿۱۴﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ

فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت بر شما نبود، به سزای آن سخنان که گفتید، قطعاً عذابی بزرگ به شما می‌رسید.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «أَفَضْتُمْ» از «إِفَاضَة» در موردی به کار می‌رود که در مسئله‌ای بسیار گفتگو شود و همه را به خود مشغول سازد و این نشان می‌دهد که تهمت به همسر پیامبر مسئله‌ی روز شده و همه به آن مشغول بودند.

پیام‌ها:

- ۱- اُمّت اسلامی تحت حمایت و لطف خداست. ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ...﴾
- ۲- رحمت و لطف خدا، از فضل اوست نه استحقاق ما. ﴿فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ﴾
- ۳- شایعات به منزله‌ی گردابی است که برخی در آن غرق می‌شوند. ﴿أَفَضْتُمْ فِيهِ﴾
- ۴- عموم مردم، در معرض پذیرش شایعات و تهمت‌ها و نزول بلا یا هستند. ﴿وَلَوْلَا... لَمَسَّكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

﴿ ۱۵ ﴾ اِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِاَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِاَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ
عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمٌ

آنگاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می‌گرفتید و آنچه را به آن علم
نداشتید، دهان به دهان می‌گفتید و این را ساده و کوچک می‌پنداشتید، در
حالی که آن نزد خدا بزرگ است.

نکته‌ها:

□ زبان، تنها عضوی است که در طول عمر انسان، از حرف زدن، نه درد می‌گیرد و نه خسته
می‌شود. شکل و اندازه‌ی آن کوچک، اما جرم و گناه آن بزرگ است. چه بسیارند کافرانی که
با گفتن یک جمله (شهادت به یگانگی خداوند) مسلمان و پاک می‌شوند و مسلمانانی که با
گفتن کفر به خدا، یا انکار احکام دین، کافر و نجس می‌شوند. زبان، از یک سو می‌تواند با
راستگویی، ذکر و دعا و نصیحت دیگران، صفا بیافریند و از سوی دیگر قادر است با نیش
زدن به این و آن، کدورت ایجاد کند. زبان، کلید عقل و چراغ علم و ساده‌ترین و ارزان‌ترین
وسیله انتقال علوم و تجربیات است. علمای اخلاق درباره‌ی زبان مطالب بسیاری نوشته‌اند.

پیام‌ها:

- ۱- پذیرش آنچه بر سر زبان‌هاست، بدون تحقیق محکوم است. ﴿تلقونه بالسننکم﴾
- ۲- سخن باید بر اساس علم باشد. ﴿تقولون بأفواهکم ما لیس لکم به علم﴾
- ۳- زیر سؤال بردن آبروی مردم را ساده نگیریم. ﴿وتحسبونه هیناً﴾
- ۴- نقل تهمت‌ها و شایعات از گناهان کبیره است. ﴿و هو عندالله عظیم﴾
- ۵- کوچکی یا بزرگی گناه را خداوند تعیین می‌کند. ﴿عندالله عظیم﴾
- ۶- همه‌ی محاسبات انسان واقع بینانه نیست. ﴿تحسبونه هیناً و هو عندالله عظیم﴾

﴿۱۶﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا
سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که در این باره
حرفی بزنیم. (پروردگارا) تو منزهی، این بهتانی بزرگ است.

نکته‌ها:

□ در سه آیه پی‌درپی کلمه‌ی عظیم آمده است؛ یک بار ﴿عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ و دو بار (با دو بیان)
﴿بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾ تا بگوید گناه بزرگ کیفر بزرگ دارد.

پیام‌ها:

- ۱- نهی از منکر واجب است. ﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ﴾ (سخن گفتن برای دفاع از
آبروی مسلمان واجب است)
- ۲- انسان در برابر شنیده‌ها، مسئول است. ﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ﴾
- ۳- هنگام برخورد با مسائل مهم، «سبحان الله» بگویید. ﴿سُبْحَانَكَ﴾
- ۴- در نزد خداوند، دنیا کوچک، ولی بهتان به مسلمان بزرگ است. ﴿بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾

﴿۱۷﴾ يَعْظُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

خداوند شما را موعظه می‌کند که اگر ایمان دارید هرگز امثال این تهمت‌ها
را تکرار نکنید.

﴿۱۸﴾ وَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و خداوند برای شما آیات خود را بیان می‌کند و او دانا و حکیم است.

پیام‌ها:

- ۱- مردم به موعظه نیاز دارند و خداوند بهترین واعظ است. ﴿يَعْظُمُ اللَّهُ﴾
- ۲- ایمان، شرط تأثیر موعظه است. ﴿يَعْظُمُ... إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

۳- برای حفظ آبروی مردم و جلوگیری از سوء ظن باید دیگران را موعظه کرد.
﴿يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ﴾

- ۴- دامن زدن به سوء ظن و افترا، سبب محو ایمان است. ﴿يَعِظُكُمُ... ان كنتم مؤمنين﴾
۵- تکرار نکردن تخلف، نشانه‌ی ایمان است. ﴿تَعُودُوا لِمِثْلِهِ ان كنتم مؤمنين﴾
۶- تهمت نزید و عمل مسلمان را حمل بر صحت کنید. ﴿أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ﴾
۷- گناهکاران را به توبه از گناه موعظه کنید. ﴿يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ﴾
۸- سرچشمه دستورات اسلام، علم و حکمت الهی است. ﴿عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾
۹- احکام الهی براساس علم و حکمت الهی است. ﴿وَيُيِّنُ اللَّهُ... عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

﴿۱۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
﴿۲۰﴾ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ

همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان اهل‌ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود و این که خداوند رئوف و مهربان است (شما را سخت کیفر می‌داد).

نکته‌ها:

- اشاعه‌ی فحشا، گاهی با زبان و قلم است که عمل زشت مردم را افشا کند و گاهی با تشویق دیگران به گناه و قرار دادن امکانات گناه در اختیار آنان.
- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که آن چه را درباره‌ی مؤمنی بشنود، برای دیگران بازگو کند، جزء مصادیق این آیه است.^(۱)
- در حدیث می‌خوانیم: کسی که کار زشتی را شایع کند، مانند کسی است که آن را مرتکب

۱. تفسیر کنزالدقائق.

شده است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- ما در برابر خواسته‌های خود مسئولیم. ﴿يُحْيُونَ... لَهُمْ عَذَابٌ﴾
- ۲- علاقه به گناه، مقدمه‌ی گناه است. در راه نهی از منکر، علاقه به منکر را محو کنیم. ﴿يُحْيُونَ...﴾
- ۳- حتی دوست داشتن بعضی گناهان، گناه کبیره است، مانند ریختن آبروی مؤمن. ﴿يُحْيُونَ... عَذَابُ الْيَمِّ﴾
- ۴- کسانی که به دنبال اشاعه فحشا هستند، نظام اسلامی باید آنها را تنبیه کند. ﴿عَذَابُ الْيَمِّ فِي الدُّنْيَا﴾
- ۵- چه بسا سرچشمه‌ی برخی از عذاب‌های دنیوی که نصیب ما می‌شود، ریختن آبروی دیگران باشد. ﴿وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

﴿۲۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گام‌های شیطان را پیروی نکنید و هرکس پیروی گام‌های شیطان شود، همانا که او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی‌شد. ولی خداوند هر کس را بخواهد، پاک می‌سازد و خدا شنوا و داناست.

۱. تفسیر کنزالدقائق.

نکته‌ها:

□ در آیات ۱۴، ۲۰ و ۲۱ سه بار سخن از فضل و رحمت خداوند آمده است تا بگوید اگر لطف او نبود، معلوم نبود وضع شما چگونه باشد!

□ «خُطوات» جمع «خُطوة» به معنای گام است. قرآن در مورد نحوه‌ی منحرف کردن شیطان، عبارت «خطوات الشیطان» را به کار برده است تا بگوید: شیطان، گام به گام انسان را به سوی انجام گناهان می‌کشانند.

□ در قرآن چند مرتبه از «خُطوات الشیطان» سخن به میان آمده است؛ یک جا می‌فرماید: ﴿ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾^(۱) همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید.

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾^(۲) از چیزهای حلال و دلیسند بخورید و مواظب گام‌های شیطان باشید و از آن پیروی نکنید. در این آیه نیز پیرامون اشاعه‌ی فحشا نسبت به مؤمنین می‌فرماید: از گام‌های شیطان پیروی نکنید. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾

نمونه گام‌های شیطان عبارت است از: دوستی با افراد فاسد، شرکت در مجالس آنان، ارتکاب گناهان کوچک، و پس از آن گناهان بزرگ و در نهایت قساوت قلب و بدعاقبتی و پایانی شوم.

پیام‌ها:

۱- به ایمان خود مغرور نشویم، توجّه به هشدارهای پی در پی لازم است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا﴾

۲- سیاست شیطان، نفوذ تدریجی و گام به گام است. ﴿خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ (از همان گام اوّل مواظب باشیم).

۳- با مردم مستدل سخن بگوییم. خداوند که می‌فرماید: از شیطان پیروی نکنید،

۱. بقره، ۲۰۸.

۲. بقره، ۱۶۸.

﴿لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ دلیل آن را ذکر می‌کند: زیرا او به گناه فرمان می‌دهد.
﴿فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ...﴾

۴- شیطان در آغاز وسوسه می‌کند و به هرکس از وسوسه او پیروی کند فرمان می‌دهد. ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ... فَإِنَّهُ يَأْمُرُ...﴾

۵- کار شیطان، با نماز در تضاد است. شیطان به انسان دستور گناه می‌دهد، ﴿فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (اما نماز انسان را از گناه باز می‌دارد. ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾^(۱))

۶- تزکیه، بدون توفیق الهی امکان ندارد. ﴿وَلَوْلَا... مَا زَكَّيْ...﴾

۷- انسان، همواره به لطف خداوند نیاز دارد. (تکرار جمله «لولا فضل الله» در این آیه و آیات قبل)

۸- در مسیر زندگی انسان، فریب و فحشا وجود دارد، ولی راه توبه و نجات نیز باز است. ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ﴾

۹- حتی اولیای خدا نیز به توفیق الهی نیاز دارند. ﴿مَا زَكَّيْ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ﴾

۱۰- خداوند حکیم، به مقدار لیاقت و ظرفیت افراد، خیر و سعادت نازل می‌کند. ﴿يَزَكِّي مِنْ يَشَاءُ﴾

۱۱- علم به اینکه خدا همه چیز را می‌بیند و می‌شنود، بهترین عامل بازدارنده از فحشا و منکرات است. ﴿وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

﴿۲۲﴾ وَلَا يَأْتِلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ

وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا

أَلَّا تُحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

صاحبان مال و وسعت از شما نباید سوگند بخورند که به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «یأتل» از ریشه «آلُو» به معنای کوتاهی کردن و یا از «آلی» به معنای سوگند یاد کردن است، همانند «ایلاء» در مباحث فقهی.^(۱)
- «عفو» به معنای بخشیدن است و «صَفَح» به معنای نادیده گرفتن که مرحله بالاتر از عفو است. بعضی گفته‌اند که «صَفَح» آن عفوی است که در آن ملامت نباشد.
- در آیات قبل از کسانی که تهمت می‌زنند به شدت انتقاد شد، بعضی از اصحاب سوگند یاد کردند که به افراد تهمت‌زن هرگز انفاق نکنند، این آیه می‌فرماید: به خاطر لغزشهای قبل، محرومان را بی‌نصیب نگذارید. (شأن نزول)

پیام‌ها:

- ۱- مرفّهین در برابر محرومان مسئول هستند. ﴿و لا یأتل اولوا الفضل...﴾
- ۲- مهم‌تر از انفاق، استمرار آن و خسته نشدن از آن و کوتاهی نکردن در آن است. ﴿و لا یأتل﴾
- ۳- در انفاق، هم از وسعت مالی و هم از امکانات دیگران استفاده کنید. ﴿اولوا الفضل... والسعة﴾
- ۴- در کمک کردن، بستگان اولویت دارند. ﴿اولی القربی﴾
- ۵- در پیمودن مراحل کمال، بلند همت باشید و به حداقل اکتفا نکنید. ابتدا کلمه‌ی «عفو» آمده، در مرحله‌ی بالاتر «صَفَح» آمده است. ﴿و لیعفووا ولیصفحوا﴾
- ۶- کسی که دیگران را ببخشد، به بخشش الهی نزدیکتر است. (عفو و گذشت

۱. مفردات راغب.

- وسيله‌ی جلب مغفرت الهی است) ﴿الْأَتْحَبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾
 ۷- هدف از عفو و گذشت دیگران، کسب مغفرت خدا باشد، نه چیز دیگر. ﴿الْأَتْحَبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾
 ۸- در شیوه‌ی تبلیغ، از احساسات و عواطف مردم کمک بگیریم. ﴿الْأَتْحَبُونَ﴾
 ۹- رهبران دینی باید مردم را به انفاق و عفو و گذشت تشویق کنند. (تمام آیه)

﴿۲۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

همانا کسانی که به زنان پاکدامن و با ایمان و بی خبر (از هرگونه آلودگی) و نسبت بد می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و برایشان عذاب بزرگی است.

نکته‌ها:

- با اینکه در قرآن، کافران، پیمان شکنان، قاتلان، طرفداران طاغوت، منافقان، مفسدان، مشرکان، مستکبران، ظالمان، کتمان کنندگان حق و دروغگویان مورد لعنت قرار گرفته‌اند، ولی لعنت دنیا و آخرت همراه با عذاب عظیم، مخصوص کسانی است که آبروی افراد پاک را می‌برند.
- امام صادق علیه السلام این آیه را گواه بر آن دانستند که نسبت ناروا به زنان پاکدامن و عفیف از گناهان کبیره است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- آسیب‌پذیری زن بیشتر است، باید به افراد آسیب‌رسان هشدار داد. ﴿يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ﴾
- ۲- کسی که پاک‌تر است تهمت به او خطرناک‌تر است. ﴿الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ﴾

۱. بحار، ج ۷۶، ص ۹.

۳- تهمت، علاوه بر عذاب آخرت، در دنیا نیز کیفر دارد. ﴿لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا﴾ (شاید نمونه لعنت در دنیا، اجرای حد و رد گواهی او به عنوان فاسق باشد).
 ۴- حمایت از حقوق زنان پاکدامن، از برنامه‌های قرآنی است. ﴿يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... لُعِنُوا﴾

﴿ ۲۴ ﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان، علیه آنان به آنچه انجام داده‌اند گواهی می‌دهند.

نکته‌ها:

□ مسأله‌ی گواهی دادن اعضای بدن در قیامت، بارها در قرآن مطرح شده است. در سوره‌ی فصلت می‌خوانیم: ﴿حَقِّ إِذَا مَا جَاءَهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^(۱) هنگامی که به دوزخ رسند، گوش و چشم و پوست بدن آنان به گناهیانی که انجام داده‌اند، گواهی دهند. در سوره‌ی یس می‌خوانیم: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۲) در آن روز بر دهان کافران مهر خموشی زنیم و دست‌هایشان با ما سخن گویند و پاهایشان به آنچه کرده‌اند گواهی دهند.

□ چون در شهادت، باید در مورد دیگری گواهی داد، پس معلوم می‌شود جوهر و شخصیت انسان غیر از اعضای بدن اوست که علیه او شهادت می‌دهند. زیرا شاهد و مشهود باید از هم جدا باشند.

پیام‌ها:

۱- در دادگاه قیامت، انسان حتی مالک اعضای خود نیست. ﴿تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ﴾

۲- گواهی دادن، به درک و شعور نیاز دارد. بنابراین اعضای بدن آنچه را انجام می دهند درک می کنند، گرچه ما نفهمیم. ﴿تَشْهَدُ عَلَيْهِمُ السِّنُّهُمُ وَ اَيْدِيهِمْ وَ اَرْجُلُهُمْ﴾
 ۳- در قیامت، بر تمامی گفتار و رفتار گواه آورده می شود. ﴿بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

﴿۲۵﴾ يَوْمَئِذٍ يُؤْفِقِهِمُ اللَّهُ دَيْنَهُمُ الْحَقُّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

در آن روز، خداوند جزای حق آنان را بی کم و کاست خواهد داد و آنان خواهند دانست که خداوند همان حقیقت آشکار است.

نکته ها:

□ کلمه‌ی «دین» در آیه، یا به معنای جزاست و یا به معنای شریعت. بنابراین معنای آیه یا چنین است که در قیامت، خداوند جزای مردم را کامل می دهد و یا آنکه شریعت حق در آن روز عرضه خواهد شد و همه‌ی مکتب سازان خیالی خواهند فهمید که خداوند همان معبود حق و آشکار است.^(۱)

□ در دنیا بخاطر محدودیت هایی که هست کیفر کامل داده نمی شود. مثلاً اگر خلبانی شهری را بمباران کرد و هزاران نفر را کشت، ما در دنیا چگونه او را کیفر کنیم؟ اما در قیامت محدودیت نیست و مجرم بارها در دوزخ سوخته و دوباره زنده می شود.

پیام ها:

- ۱- تنها در قیامت است که کیفرها بطور کامل داده می شود. ﴿يَوْمَئِذٍ يُؤْفِقِهِمُ﴾
- ۲- کیفرهای الهی در قیامت بر اساس شهادت و گواهی و حق است. ﴿تَشْهَدُ عَلَيْهِمُ... يُؤْفِقِهِمُ اللَّهُ﴾
- ۳- خداوند از کیفر و پاداش کسی نمی کاهد. ﴿يُؤْفِقِهِمُ﴾
- ۴- در قیامت، وقتی پرده های غفلت، غرور، جهل، تبلیغات کاذب و هوسها کنار

۱. تفسیر المیزان.

می‌روند، مردم حقیقت را می‌فهمند. «و يعلمون... هو الحق»

﴿۲۶﴾ الْحَبِیْثَاتُ لِلْحَبِیْثِیْنَ وَالْحَبِیْثُوْنَ لِلْحَبِیْثَاتِ وَالطَّیِّبَاتُ
لِلطَّیِّبِیْنَ وَالطَّیِّبُوْنَ لِلطَّیِّبَاتِ اُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا یَقُولُوْنَ لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ کَرِیْمٌ

زنان پلید، سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید، سزاوار زنان پلید. زنان پاک
برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک. آنان از آنچه درباره ایشان
می‌گویند منزه‌اند و برای آنان مغفرت و روزی نیکویی است.

نکته‌ها:

□ این آیه یک اصل کلی را مطرح می‌کند که در انتخاب همسر باید دقت کرد و اصل را بر
ایمان و پاکدامنی گذاشت، نه زیبایی و ثروت. بنابراین معنای آیه این نیست که اگر مردی یا
زنی خوب بود حتماً همسرش نیز خوب بوده و مشمول مغفرت و رزق کریم شود، زیرا قرآن،
ملاک ورود در بهشت را ایمان و تقوا و عمل صالح می‌داند و لذا با اینکه حضرت نوح و لوط،
طیب بودند، اما همسرانشان از خبیثات و دوزخی‌اند.

□ کلمه‌ی «طیب» به معنای دلپسند و مطلوب است و در قرآن در توصیف مال، ذریه، فرزندان،
کلام، شهر، همسر، غذا و رزق، مسکن، درخت و تحیت آمده است و در مقابل آن کلمه‌ی
«خبیث» است که آن هم برای مال، انسان، همسر، سخن، عمل و شجره به عنوان وصف
مطرح شده است.

□ این آیه را چند نوع می‌توان معنا کرد:

الف: با توجه به آیات قبل که درباره‌ی تهمت به زنان پاکدامن و ماجرای افک بود و با توجه
به جمله‌ی: «مُبرَّءُونَ مِمَّا یَقُولُونَ»، معنای آیه این باشد که کلمات خبیث، مثل تهمت و افتراء،
شایسته افراد خبیث و سخنان پاک، شایسته‌ی افراد پاک است و مردم پلید، سخن زشت
می‌گویند و مردم پاک، سخنان پاک می‌گویند.

ب: ممکن است مراد آیه بیان یک حکم شرعی باشد که ازدواج پاکان با ناپاکان ممنوع است.

نظیر آیه اول همین سوره که فرمود: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ الْزَانِيَةَ» مرد زناکار جز زن زناکار را به همسری نگیرد، همان گونه که روایتی از امام باقر (ع) این معنا را تأیید می‌کند.^(۱)
ج: ممکن است مراد آیه همسویی فکری، عقیدتی، اخلاقی و به اصطلاح هم‌شان و هم‌کفو بودن همسر باشد. یعنی هر کس بطور طبیعی به سراغ همفکر خود می‌رود.

ناریان مر ناریان را جاذبند نوریان مر نوریان را طالبند

□ در قرآن، برای رزق اوصافی ذکر شده است از جمله:

«رِزْقًا حَسَنًا»^(۲)، روزی نیکو و پاکیزه.

«رِزْقُ کَرِيمٍ»^(۳)، روزی بزرگووارانه و ارجمند.

«وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا»^(۴)، از آنچه خدا روزیتان کرده، از حلال و پاکیزه‌اش بخورید.

«يُرْزَقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^(۵)، او را از راهی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد.

«يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^(۶) در بهشت، بی حساب روزی داده شوند.

پیام‌ها:

- ۱- طبع افراد پلید چنین است که به سراغ پلیدی‌ها می‌روند، برخلاف افراد پاک طینت که به سراغ خوبی‌ها می‌روند. «الْحَبِيشَاتُ لِلْخَبِيثِينَ... الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»
- ۲- بهره‌گیری از نعمت‌ها و طیبیات، حق اهل ایمان است. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»
- ۳- سالم ماندن نسل‌های پاک، از توصیه‌های قرآن است. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ»
- ۴- حمایت از پاکدامن‌ها لازم است. «اولئك مبرؤن مما يقولون»
- ۵- معنویات بر مادیات مقدم است. (در قرآن هر جا عبارت «رزق کریم» آمده، قبلش عبارت «هم مغفرة» آمده است.)

۳. انفال، ۴.

۲. نحل، ۶۷.

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

۶. غافر، ۴۰.

۵. طلاق، ۳.

۴. مائده، ۸۸.

﴿ ۲۷ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست، وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این به نفع شماست، شاید پند گیرید.

نکته‌ها:

- معنای «استیناس»، اجازه خواستن و اعلام ورود است که به گفته‌ی روایات می‌تواند با ذکر خدا باشد و یا با سلام کردن و امثال آن.^(۱)
- شخصی از پیامبر ﷺ پرسید: آیا برای ورود به منزل مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، گفت: در خانه جز او کسی نیست و جز من خادمی ندارد! حضرت فرمود: آیا دوست داری مادرت را بدون لباس مناسب ببینی؟ گفت نه. فرمود: پس اجازه بگیر.
- در روایتی دیگر، پیامبر ﷺ از ورود مردان به خانه زنانی که همسران آنان حضور ندارند نهی فرمود.^(۲)
- در روایات می‌خوانیم: اجازه گرفتن برای ورود به خانه دیگران سه مرتبه باشد تا اهل خانه فرصت جمع و جور کردن خود را داشته باشند. و برای نجات غریق و مظلوم و مورد آتش سوزی، اجازه لازم نیست.^(۳)
- پیامبر اکرم ﷺ هرگاه می‌خواست وارد منزلی شود، برای اجازه گرفتن، روبروی در خانه نمی‌ایستاد تا نگاه مبارکشان به داخل خانه نیفتد.^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- اهل ایمان، در امور زندگی باید از وحی الهی دستور بگیرند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾

۳. تفسیر کبیر فخر رازی.

۲. تفسیر نور الثقلین.

۱. تفسیر نور الثقلین.

۴. تفاسیر کبیر و فی ظلال.

- ۲- امنیّت و آزادی برای ساکنین خانه باید حفظ شود. ﴿لَا تَدْخُلُوا﴾ (ورود سرزده به حریم دیگران، حرام است).
- ۳- از مواضع تهمت دوری کنید. ﴿لَا تَدْخُلُوا... ذَلِكُمْ خَيْرٌ﴾
- ۴- باز بودن در خانه، دلیل جواز ورود نیست. ﴿لَا تَدْخُلُوا﴾
- ۵- مالکیت افراد محترم است. ﴿لَا تَدْخُلُوا﴾
- ۶- برخورد مؤمنان با یکدیگر، باید با محبت همراه باشد. ﴿تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا﴾
- ۷- از هر کاری که موجب شکستن حریم حیا و حجاب می شود، دوری کنید. ﴿تَسْتَأْذِنُوا﴾
- ۸- وارد شونده باید سلام کند، هر که باشد. ﴿تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ (سلام کردن لازم نیست از کوچکتر به بزرگتر باشد).
- ۹- مراعات ادب و حقّ دیگران، سرچشمه‌ی سعادت بشر است. ﴿ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾
- ۱۰- دستورات الهی را فراموش نکنیم و به یاد داشته باشیم. ﴿لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾
- ۱۱- آداب و اخلاق دینی، همان ندای فطرت است، که مورد غفلت قرار گرفته و باید با تذکر بیدار کنیم. ﴿تَذَكَّرُونَ﴾

﴿۲۸﴾ فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ

قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

پس اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد آنجا نشوید تا آنکه (به نحوی) به شما اجازه ورود داده شود و اگر به شما گفته شد که بازگردید، برگردید (و ناراحت نشوید). این برای پاک ماندن شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

پیام‌ها:

- ۱- ورود به خانه‌ی دیگران، بدون اجازه‌ی صاحب خانه، حرام است. ﴿فَلَا تَدْخُلُوا﴾
- ۲- ورود، اجازه‌ی قطعی می‌خواهد، ﴿حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾ چنانکه به مجرد پیدا شدن

- علائم نارضایتی بازگشتن لازم است. ﴿اِذَا قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا﴾
- ۳- ورود به خانه مردم نیاز به اذن و اجازه دارد؛ خواه اذن دهنده صاحب خانه و مالک باشد، یا مقام مجاز دیگر نظیر حاکم اسلامی. (جمله «يُؤْذَن» مجهول آمده تا اصل اذن را ثابت کند و نامی از اذن دهنده نیامده است)
- ۴- توقّف پشت در خانه‌ی مردم ممنوع است. ﴿ارْجِعُوا﴾
- ۵- نپذیرفتن مهمان ناخوانده جایز است. ﴿ارْجِعُوا﴾
- ۶- عذر صاحب خانه را بپذیریم و خود را به صاحب خانه تحمیل نکنیم. ﴿ارْجِعُوا فَارْجِعُوا﴾
- ۷- صفا، صمیمیت و نداشتن توقّع بیجا، از برکات اخلاق اسلامی است. ﴿ارْجِعُوا فَارْجِعُوا﴾
- ۸- گاهی خیر انسان در این است که سر او به سنگ بخورد. ﴿ارْجِعُوا - هُوَ أَزْكَى لَكُمْ﴾ (هر برگشتی شکست نیست).
- ۹- ملاک در روابط اجتماعی، پاکی و طهارت است. ﴿أَزْكَى لَكُمْ﴾ (اوامر و نواهی خداوند، راه رسیدن به طهارت است).
- ۱۰- علم خداوند به عملکرد ما، عامل تشویق و تهدید ماست. ﴿بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾

﴿۲۹﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ

لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

بر شما گناهی نیست که به مکان‌های (عمومی) غیر مسکونی که در آن کار و استفاده‌ای دارید وارد شوید و خداوند به آنچه آشکار و یا کتمان می‌کنید، آگاه است.

نکته‌ها:

- ▣ حساب اماکن عمومی که ساکنان خاصی ندارد، مثل مساجد، هتل‌ها، کاروانسراها، فروشگاه‌ها و ادارات که درب آنها به روی همه باز است و مردم از رفت و آمد به آنجا

بهره‌مند می‌شوند، از حساب خانه‌های شخصی جداست و برای ورود به آن مراکز اجازه گرفتن لازم نیست.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- رفتن به مراکز عمومی بدون داشتن هدفی سودمند، برای ولگردی و پرتله زدن ممنوع است. ﴿تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ﴾
- ۲- در ورود به مراکز عمومی، خدا را در نظر بگیریم و بدانیم خداوند افکار و رفتار ما را زیر نظر دارد. ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾

﴿۳۰﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ

أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاک ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.

نکته‌ها:

- کلمه «يَغُضُّوا» از ریشه «غَضَّ» به معنای کاستن و پایین آوردن است. چنانکه لقمان به فرزندش می‌فرماید: ﴿وَإِغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾ یعنی صدایت را پایین بیاور و با صدای بلند صحبت نکن.
- در اینجا نیز مراد از «غَضَّ بَصَر» بستن چشم نیست، بلکه پایین آوردن نگاه است، به گونه‌ای که انسان نامحرم را ببینند.
- مراد از «فروج» عورتین است که باید آن را از نگاه دیگران پوشاند. البته مراد از حفظ فروج در دیگر آیات قرآن، حفظ از زناست، ولی در این آیه، بر اساس روایات، حفظ از نگاه است.

۱. تفسیر برهان.

روایاتی درباره‌ی نگاه:

- * حضرت علی علیه السلام فرمود: «لکم اَوَّلَ نَظَرَةٍ اِلَى الْمَرْءَةِ فَلَا تَتَّبِعُوهَا بِنَظَرَةٍ أُخْرَى وَاحْذَرُوا الْفِتْنَةَ»^(۱) نگاه اوّل مانعی ندارد ولی ادامه‌ی نگاه اشکال دارد، زیرا سبب فتنه می‌شود.
- * در حدیثی می‌خوانیم: تمام چشم‌ها در قیامت گریان است مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید، چشمی که از گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند.^(۲)
- * در «صحیح بخاری» می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جلو راه مردم ننشینید. برخی گفتند: ما ناچاریم از نشستن. فرمود: پس حقّ آن را ادا کنید. پرسیدند حقّ آن چیست؟ فرمود: «غَضُّ الْبَصَرِ وَ كَفُّ الْأَذَى وَ رَدُّ السَّلَامِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ» ترک چشم چرانی و مردم آزاری، جواب دادن به سلام دیگران، امر به معروف و نهی از منکر.
- * حضرت عیسی علیه السلام فرمود: از نگاه به نامحرم بپرهیزید که بذر شهوت را در دل می‌نشاند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است.^(۳)
- * امام علی علیه السلام فرمود: «الْعَيْنُ رَأِيْدُ الْقَلْبِ» چشم، دل را بدنبال خود می‌کشد. «الْعَيْنُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ» چشم، کمینگاه شیطان است. و چشم‌پوشی بهترین راه دوری از شهوات است.^(۴)
- * پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِّنْ سَهَامِ ابْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِّنَ اللَّهِ اعْطَاهُ اللَّهُ اِيْمَانًا يَجِدُ حِلَاوَةً فِي قَلْبِهِ»^(۵) نگاه بد، تیری از تیرهای مسموم شیطان است. هر کس از ترس خدا چشم خود را فرو بندد، خداوند به او ایمانی می‌دهد که از درون، شیرینی آن را احساس می‌کند.
- * پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس چشم خود را از حرام پر کند، در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد مگر اینکه توبه کند.^(۶)

پیام‌ها:

- ۱- لازمه‌ی ایمان، حفظ نگاه از حرام است. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا...»

۱. تفسیر کنزالدقائق. ۲. تفسیر کنزالدقائق. ۳. تفسیر روح البیان.
 ۴. غررالحکم. ۵. بحار، ج ۱۰۴، ص ۳۸. ۶. بحار، ۷۶، ص ۳۳۶.

- ۲- جاذبه‌های غریزی را باید کنترل کرد. ﴿يَغْضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾
 ۳- گناه را از سرچشمه جلوگیری کنیم و تقوا را از چشم شروع کنیم. ﴿مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾
 ۴- چشم پاک، مقدمه‌ی پاکدامنی است. ﴿يَغْضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾
 ۵- پاکدامنی، برای مردان نیز لازم است. ﴿يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾
 ۶- چشم‌چرانی و بی‌عفتی، مانع رشد معنوی انسان است. ﴿يَغْضُّوا - يَحْفَظُوا - ازکی﴾
 ۷- همواره در محضر خدا هستیم. در محضر خدا معصیت نکنیم. ﴿يَغْضُّوا... إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾

﴿۳۱﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
 وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى
 جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ
 بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى
 إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ
 التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ
 يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا
 يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ
 لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و به زنان با ایمان بگو: از برخی نگاه‌ها چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و روسری خود را بر گریبان بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر، یا پدر یا پدرشوهر، یا پسر، یا پسرشوهر (که از همسر دیگر است) یا برادر، یا پسربرادر، یا پسرخواهر، یا زنان (هم‌کیش)، یا آنچه مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتکار که

تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سنّ تمییز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و توبه کنید تا رستگار شوید.

نکته‌ها:

- با اینکه خداوند در قرآن به جزئیات احکام نماز و زکات اشاره نکرده و بیان آنها و بسیاری از مسائل دیگر را به عهده‌ی پیامبر اکرم ﷺ گزارد، ولی در بیان مسائل خانوادگی و تربیتی به ریزترین مسائل پرداخته است.
- همچون مردان که باید از نگاه آلوده به زنان بپرهیزند، زنان نیز نباید از روی شهوت به مردان نامحرم بنگرند، بلکه باید نگاه خود را کنترل کنند و زینت و زیبایی خود را از نامحرم بپوشانند، جز صورت و دست‌ها که به طور طبیعی ظاهر است و پوشش آنها، موجب مشکلاتی در انجام امور زندگی می‌شود.
- «خمر» جمع «خمار» یعنی روسری و «جُبُوب» جمع «جَبِيب» به معنای گردن و سینه است.
- امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از آیه‌ی «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُنَّ» آن است که زنان به عورت زنان دیگر نگاه نکنند و عورت خود را از نگاه دیگران حفظ نمایند.^(۱)
- پیامبر اکرم ﷺ در تفسیر جمله‌ی «الَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» فرمود: خداوند آن دسته از زنان را که روی و موی خود را برای شوهر آرایش نمی‌کنند و نیازهای شوهر را برآورده نمی‌سازند، لعنت کرده است.^(۲)
- کلمه «ارِية» به معنای حاجت و نیاز است. مراد از «اولی الارِية» خدمتگزاران و ملازمانی هستند که به جهت بالا بودن سنّ یا شرایط جسمی و روانی، تمایل به همسر ندارند.^(۳)
- توبه، گاهی در مورد یک گناه فردی و گاهی برای تغییر دادن یک فرهنگ فاسد عمومی

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۲۳.

است، که آیه ظاهراً درباره‌ی نوع دوم است. زیرا در جاهلیت گردن وسینه‌ی زنان باز بود.^(۱)

□ حفظ حجاب و ترک جلوه‌گری، ثمرات بسیاری دارد که برخی از آنها عبارت است از:

آرامش روحی، استحکام پیوند خانوادگی، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیشگیری از امراض مقاربتی و روانی، پائین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن رقابت‌های منفی، حفظ شخصیت و انسانیت زن، و نجات از چشم‌ها و دل‌های هوسبازی که امروز غرب و شرق را در خود فرو برده است.

پیام‌ها:

- ۱- در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد فرقی نیست.
﴿يَغُضُّوا - يَغُضُّنَ - يَحْفَظُوا - يَحْفَظْنَ﴾
- ۲- جلوه‌گری زنان، در جامعه ممنوع است. ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾
- ۳- ظاهر بودن قسمت‌هایی از بدن که به طور طبیعی پیداست، (صورت، دست یا پا) مانعی ندارد. ﴿الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾
- ۴- در ایم آیه، در میان انواع پوشش‌ها، نام مقنعه و روسری آمده و این دلیل بر اهمیت پوشش سر و گردن و سینه است. ﴿وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾
- ۵- در وضع قانون باید به ضرورت‌ها، واقعیت‌ها و نیازها توجه شود. (اگر پوشاندن صورت و دست‌ها تا مچ، واجب می‌شد، برای عموم زنان مشکل بود) ﴿الَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾
- ۶- اسلام به نیازهای غریزی انسان پاسخ مثبت می‌دهد. ﴿الَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾
- ۷- پوشیدن هرگونه کفش و لباسی که هنگام راه رفتن، سبب آشکار شدن زیور و زیبایی‌های زن شود، جایز نیست. ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾
- ۸- زن، حق مالکیت دارد. ﴿مَلَكَتْ إِيْمَانَهُنَّ﴾
- ۹- زن، می‌تواند زینت خود را به زنان مسلمان نشان دهد ولی نزد زنان کفار خود

۱. تفسیر کبیر فخررازی.

- را بپوشاند. ﴿نَسَائِهِنَّ﴾ (زیرا ممکن است آنها نزد شوهرانشان یا مردان بیگانه، آنچه را از زن مسلمان دیده‌اند توصیف کنند).
- ۱۰- حجاب و پوشش زن به خاطر تمایلات جنسی مردان است. لذا در برابر مردانی که میل به همسر ندارند پوشش لازم نیست. ﴿غیر اولى الاربة من الرجال﴾
- ۱۱- حجاب و پوشش، واجب است. ﴿وَلِيُضْرِبَ بِحُجْرَتِهِ﴾
- ۱۲- هرکاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه سازد ممنوع است. ﴿لِيَعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِ﴾
- ۱۳- با حفظ حجاب، حضور زن در جامعه مانعی ندارد. ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُ﴾ همان گونه که شرکت زن در نماز جماعت بلامانع است. ﴿وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّكْعَيْنِ﴾^(۱)
- ۱۴- مقتضای ایمان، توبه به درگاه خداوند است. ﴿تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ﴾
- ۱۵- راه رستگاری، توبه و بازگشت از مسیرهای انحرافی است. ﴿تُوبُوا... تَفْلَحُونَ﴾

﴿۳۲﴾ وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ

يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند و خداوند، گشایشگر داناست.

نکته‌ها:

- «آیامی» جمع «أیم»، بر وزن «قَیم»، یعنی کسی که همسر ندارد، خواه مرد باشد یا زن، باکره باشد یا بیوه.
- بهترین واسطه‌گری‌ها، شفاعت و واسطه‌گری در امر ازدواج است. چنانکه در روایت آمده است: کسی که دیگری را داماد یا عروس کند، در سایه‌ی عرش خداست.^(۲)

۱. آل عمران، ۴۳.

۲. تفسیر نورالثقلین.

□ پدر و مادری که با داشتن امکانات، فرزندشان را همسر نمی‌دهند، اگر فرزند مرتکب گناه شود، والدین در گناه او شریک هستند.^(۱)

ازدواج در اسلام

اسلام ازدواج را امری مقدس می‌داند، بر خلاف مسیحیت که مجرد بودن را ارزش می‌داند و لذا پاپ و روحانیون مسیحی نباید ازدواج کنند و جواز ازدواج برای مسیحیان بخاطر جلوگیری از فساد بیشتر و به اصطلاح دفع افسد به فاسد است.

□ درباره‌ی ازدواج، روایات بسیاری آمده است که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

* امام صادق علیه السلام فرمود: توسعه‌ی زندگی، در سایه‌ی ازدواج است.

* کسی که از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند سوءظن برده است.

* دورکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که همسر ندارد.^(۲)

فوائد ازدواج

۱. انس و آرامش

قرآن می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾^(۳): از نشانه‌های خدا آن است که از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در نزد آنان آرامش یابید و میان شما مودت و رحمت قرار داد.

یکی از نیازهای بشر انس و الفت است و لذا تنهایی برای او دشوار است و نیاز به کسی دارد که امین و غم‌خوار و مهربان و رازدار او باشد تا با او انس بگیرد و عشقش را خالصانه نثار او کند. بهترین فردی که می‌تواند این نیاز را تامین کند همسر است، چه زن و چه شوهر. قرآن از میان فوائد بسیار ازدواج، تنها این مورد را نام برده که معلوم می‌شود مهم‌ترین فائده است.

۲. حفظ عفت و مصونیت از گناه

رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک روایت فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَخْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»^(۴) هر کس ازدواج

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. مجموعه روایات از تفسیر نورالثقلین می‌باشد.

۴. کافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

۳. روم، ۲۱.

کند نیمی از دینش را حفظ کرده است.

و در روایتی دیگر فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِزَوْجَةٍ»^(۱) هر که دوست دارد در قیامت خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند همسر اختیار کند.

۳. سلامتی جسم و روان

دانشمندان می‌گویند: ارضای صحیح و به موقع غریزه‌ی جنسی، برای سلامت جسم و جان یک ضرورت است و ترک آن باعث بیماری‌های روانی و امراضی از قبیل: ضعف اعصاب، اضطراب، افسردگی، یأس، تشنج، تندخویی، بدبینی، گوشه‌گیری و گاهی سوء هاضمه و سردرد می‌شود.^(۲)

۴. بقای نسل

بقای نسل بشر در گرو ازدواج و زناشویی است و در اسلام امر تربیت نسل یکی از وظایف والدین شمرده شده که در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

۵. استقلال

دختر و پسر، قبل از ازدواج جزئی از خانواده و تابع والدین محسوب می‌شوند، در حالی که پس از ازدواج، به طور مستقل تصمیم می‌گیرند و مسئولیت می‌پذیرند.

۶. امنیت جامعه

اگر بنیاد خانواده مستحکم باشد، از فساد، طغیان، قتل و سرقت، جنایت و تجاوز به عنف و خودکشی تا حد زیادی کاسته می‌شود، چون اکثر این موارد از افرادی سر می‌زند که از کانون گرم خانواده محرومند.^(۳)

دقت در انتخاب همسر

امام صادق علیه السلام فرمود: زن به منزله گلوبندی است که بر گردن می‌افکنی پس مراقب باش. در انتخاب همسر احساسات غلبه نکند. عجله نکنید و پس از فکر و مشورت و گفتگو اقدام

۱. النوادر راوندی، ص ۱۲. ۲. انتخاب همسر، امینی، ص ۲۶.

۳. انتخاب همسر، ص ۲۹.

کنید. بخش زیادی از اختلافات خانوادگی ریشه‌اش عدم دقت در انتخاب همسر است. همسر شریک زندگی است و تاثیرش تا پایان عمر و تا قیامت هست. معمولاً ازدواجهای سطحی که با یک برخورد و آشنایی در اتوبوس و یا پارک صورت می‌گیرد عاقبت خوبی ندارد.

ویژگی‌های همسر خوب

۱. دین و ایمان

الف. قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ﴾^(۱) و با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر آنکه ایمان بیاورند و همان کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از (زیبایی) او به شگفت آید و به مشرکان زن ندهید مگر آنکه ایمان بیاورند و همانا برده مؤمن بهتر از آزاد مشرک است هر چند از (مال و زیبایی) او شگفت زده شوید.

ب. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكِلَا إِلَى ذَٰلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ»^(۲)؛ هنگامی که مرد به خاطر مال و جمال زن با او ازدواج کند، به همان واگذار می‌شود و هرگاه به خاطر دینش با او ازدواج کند، خداوند مال و جمال را رزق او می‌سازد.

۲. اخلاق خوب و خوش

امام رضا علیه السلام در جواب یکی از یارانش که نوشته بود قصد ازدواج با کسی را دارم که خوش اخلاق نیست، فرمودند: اگر بد اخلاق است با او ازدواج نکن.^(۳)

اخلاق در زندگی باعث شیرینی زندگی و رشد خانواده می‌شود. اموری همچون: راستگویی، امانتداری، خوش‌زبانی، خیرخواهی، گذشت و ایثار، بردباری، وظیفه‌شناسی، نجابت، کم‌توقعی، نرم‌خوئی، و... امتیازات یک انسان است که اسلام به آنها اهمیت داده است.

۱. بقره، ۲۲۱.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۶۳.

۳. اصالت خانوادگی

پیامبر ﷺ فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ أَيَّاكُمْ وَخَضِرَاءُ الدِّمَنِ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضِرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنِيِّ السَّوْءِ»^(۱)؛ مردم از سبزه‌هایی که بر زباله می‌روید بپرهیزید. گفتند: یا رسول الله مراد چیست؟ فرمود: زنان زیبارویی که در خانواده‌ای ناپاک روئیده‌اند.

۴. سواد و تحصیلات

علم و دانش برای انسان یک کمال و برای همسر یک مزیت است. با فرد باسواد زودتر می‌شود به تفاهم رسید و برنامه‌های بهتری برای آینده ریخت. البته هر باسوادی، باتدبیر نیست. متأسفانه مدارس و دانشگاه‌ها در کشور ما درس زندگی نمی‌دهند.

۵. سلامت جسم

سلامت جسم از نعمتهای بزرگ الهی و از مزایای یک همسر است. در روایت است با کسانی که بیماریهای مسری دارند ازدواج نکنید. البته ازدواج با ایثارگران جانباز، لیاقت و شایستگی و از خودگذشتگی می‌خواهد.

۶. تناسب سنی

انسان در سنین مختلف حالات متفاوت دارد. تمایلات جنسی نیز در هر سنی یکسان نیست، پس باید بین سن دختر و پسر تفاوت فاحش نباشد، که زندگی را با مشکلاتی روبرو می‌کند.

مهریه

۱. مرد برای اثبات صداقت خویش، مهریه را نثار زن می‌کند و لذا به آن صداق می‌گویند و پشتمانه زن است در طول زندگی و پس از طلاق یا مرگ همسر.

۲. مقدار مهر در اسلام تعیین نشده، اما در احادیث از مهریه‌های سنگین مذمت شده و چنین آمده است که مهریه زیاد مایه کینه و عداوت می‌شود.^(۲)

۳. مرد باید سعی کند در اولین فرصت که تمکن پیدا کرد مهریه زن را بپردازد.

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۳۲. ۲. مکارم‌الاخلاق، ص ۲۳۷.

۴. زن مالک مهر است و هر کاری بخواهد می‌تواند با آن بکند، ببخشد یا تجارت کند.
۵. در روایات، به مردی که قصد دادن مهریه را نداشته باشد، سارق و زناکار اطلاق شده است.^(۱)

جهیزیه

۱. داماد، نه شرعا و نه قانونا حق مطالبه جهاز را ندارد، گرچه مرسوم است که خانواده عروس اسباب و لوازم زندگی را خریداری می‌کنند.
۲. جهاز برای تامین آسایش دو زوج جوان است، نه فخرفروشی و خودنمایی.
۳. لیست جهاز حضرت فاطمه:

۱- یک پیراهن ۲- یک روسری بزرگ ۳- یک خُله سیاه ۴- دو عدد تشک، ۵- یک تختخواب از لیف خرما ۶- چهار عدد بالش ۷- یک حصیر ۸- یک آسیاب دستی ۹- یک کاسه مسی ۱۰- یک مشک چرمی ۱۱- یک طشت لباسشویی ۱۲- یک کاسه شیر ۱۳- یک ظرف آبخوری ۱۴- یک پرده ۱۵- یک آفتابه ۱۶- یک کوزه ۱۷- یک پوست برای فرش ۱۸- دو کوزه سفالین ۱۹- یک عبا

مراسم عقد و عروسی

در اسلام سفارش شده مراسم عقد و عروسی با حضور مردم و همراه با شادی برگزار شود. رسول خدا ﷺ عقد فاطمه زهرا را در مسجد، در حضور انصار و مهاجرین اجرا کردند و دستور دادند بین حاضرین خرما پخش کنند.

هنگام عروسی حضرت زهرا را رسول خدا ﷺ به همسرانش فرمود: فاطمه را آرایش کنید و خوشبو سازید، اطاقش را فرش کنید تا او را به خانه شوهر بفرستیم.^(۲)

همچنین به زنان مهاجر و انصار فرمود: فاطمه را تا خانه شوهر همراهی کنید و شادی کنید، لیکن مواظب باشید چیزی نگوئید که خدا بدان راضی نباشد.

۱. وسائل، ج ۱۵، ص ۲۱. ۲. بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

پیام‌ها:

- ۱- خانواده و جامعه، مسئول ازدواج افراد بی‌همسر است. ﴿وَأَنْكِحُوا﴾
- ۲- ازدواج در اسلام، امری مقدّس و مورد تأکید است. ﴿وَأَنْكِحُوا﴾
- ۳- لازم نیست خواستگاری، از طرف خاصّی باشد، هر یک از طرفین ازدواج می‌توانند پیشقدم شوند. ﴿وَأَنْكِحُوا﴾
- ۴- تنها سفارش به ترک نگاه حرام، کافی نیست، برای ازدواج جوانان باید اقدام کرد. ﴿يَغْضُوا، يَغْضُضْنَ، انكحوا﴾
- ۵- زنان بیوه را همسر دهید. ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى﴾ («آیامی»، شامل آنان نیز می‌شود).
- ۶- داشتن صلاحیت، شرط ازدواج است. ﴿وَالصَّالِحِينَ﴾ (یعنی باید طرفین صلاحیت اداره زندگی مشترک را داشته باشند).
- ۷- اقدام جامعه برای عروس و داماد کردن افراد صالح، تشویقی است که جوانان لأبالی و هرزه نیز خود را در مدار صالحان قرار دهند. ﴿وَالصَّالِحِينَ...﴾ (بنا بر این که مراد از صلاحیت، صلاحیت اخلاقی و مکتبی باشد).
- ۸- در تأمین نیازهای جنسی، فرقی میان انسان‌ها نیست. (زن، مرد، غلام و کنیز) ﴿مَنْكُم، عبادکم، امائکم﴾
- ۹- فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...﴾
- ۱۰- در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید. ﴿يُغْنِمُ اللَّهُ﴾
- ۱۱- فقر، برای عروس و داماد عیب نیست. ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...﴾
- ۱۲- خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است. ﴿يُغْنِمُ اللَّهُ﴾
- ۱۳- تحقّق وعده‌های الهی از سرچشمه‌ی فضل بی پایان اوست. ﴿فَضْلُهُ - وَاسِعٌ﴾
- ۱۴- رشد و توسعه‌ای که خداوند نصیب بندگان می‌فرماید، بر اساس علم و حکمت اوست. ﴿وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

﴿۳۳﴾ وَلَيْسَتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

و کسانی که (وسیله‌ی) ازدواج نمی‌یابند، پاکدامنی و عفت پیشه کنند، تا آن که خداوند از کرم خویش، آنان را بی‌نیاز نماید. و هر کدام از غلامان و کنیزان شما که خواهان بازخرید و آزادی (تدریجی) خود باشند، اگر در آنان خیر و شایستگی دیدید، تقاضای آنان را بپذیرید و (برای کمک به آزاد شدن آنان) از مالی که خدا به شما داده به آنان بدهید، و کنیزان خود را که تصمیم بر پاکدامنی دارند، به خاطر رسیدن به مال دنیا به فحشا وادار نکنید، و هر کس آنان را مجبور کند، همانا خداوند برای آنان که به اکراه وادار گشته‌اند، بخشنده‌ی مهربان است.

نکته‌ها:

□ ابتدا باید به هرکس که می‌تواند سفارش کرد ازدواج کند، سپس به غیر متأهلان سفارش عفت و پاکدامنی نمود. (آیه «وانکحوا» قبل از آیه «ولیس‌تغف» آمده است)

□ چنانکه در روایات آمده است: در جاهلیت، کنیزان را برای کسب درآمد به فحشا وادار می‌کردند. لذا خداوند می‌فرماید: به جای آنکه کنیزان را به گناه وادار کنید، زمینه ازدواج آنان را فراهم سازید.

□ در مورد رفتار با اسیران جنگی، یکی از این چند راه را می‌توانیم پیش بگیریم:

الف: همه‌ی اسیران را یکجا آزاد کنیم، که در این صورت، دوباره به جنگ باز می‌گردند.

ب: همه را بکشیم، که این، امری غیر انسانی است.

ج: اسرا را در منطقه‌ای گرد آوریم و از بیت‌المال مسلمانان، مخارج آنان را تأمین کنیم. (در

این طرح، باید بی گناهان هزینه‌ی مجرمان را بپردازند).
 د: آنها را میان مسلمانان تقسیم کنیم تا سیره‌ی اسلام و مسلمانان را مشاهده کنند و به تدریج تحت تأثیر قرار گیرند و مسلمان شوند، سپس از راه‌های مختلف، آنها را آزاد کنیم، که این طرح، بهترین است، و طرح اسلام نیز همین است.
 بگذریم که نظام جنگ در آن زمان این بود که اسیر جنگی را به عنوان برده مورد استفاده قرار می‌دادند و اسلام نیز مقابله به مثل می‌کرد، همان گونه که امروز در دنیا اسیران را در اردوگاه‌ها قرار می‌دهند و ما نیز باید قوانین بین‌المللی جنگ را تا آنجا که منافاتی با مذهب ما نداشته باشد بپذیریم.

پیام‌ها:

- ۱- دسترسی نداشتن به همسر، مجوز گناه نیست، صبر و عفت لازم است.
 ﴿وَلْيَسْتَعْفِفْ﴾
- ۲- هر کجا احساس خطر بیشتر باشد، سفارش مخصوص لازم است. ﴿وَلْيَسْتَعْفِفْ﴾
 الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا ﴿﴾ (چون افراد غیر متأهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند، خداوند در فرمان به عفت، آنان را مخاطب قرار داده است)
- ۳- جوانان بخاطر امکانات ازدواج، به سراغ تهیّه‌ی مال از راه حرام نروند و عفت و تقوا از خود نشان دهند. ﴿حَقِّ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾
- ۴- در حفظ عفت و پاکدامنی عمومی، هم باید جوانان خود را حفظ کنند، ﴿وَلْيَسْتَعْفِفْ﴾، هم خانواده و حکومت قیام کند ﴿وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى﴾، و هم ثروتمندان جامعه به پاخیزند. ﴿وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ﴾
- ۵- در قرارداد با زیردستان خود، سند کتبی داشته باشید. ﴿مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فِكَاتِبُوهُمْ﴾
- ۶- اسلام برای آزادی بردگان، طرح‌های مختلفی دارد. یکی از آنها قرارداد بازخرید است. ﴿فِكَاتِبُوهُمْ﴾
- ۷- دارایی و اموال را از خود ندانید بلکه از خداست که چند روزی امانت به شما

داده است. ﴿مال الله﴾

۸- ثروتمندان، در قبال ازدواج زبردستان خود، مسئولیت دارند. ﴿وآتوهم من مال

الله الذي آتاكم﴾

۹- بکارگیری زبردستان در امور حرام، ممنوع است. ﴿و لا تکرهوا فتياتکم علی

البغاء﴾

۱۰- دنیاطلبی، سرچشمه‌ی گناهان است. ﴿لا تکرهوا... لتبتغوا عرض الحياة الدنيا﴾

۱۱- ثروت‌اندوزی از راه‌های نامشروع جایز نیست. ﴿لتبتغوا عرض الحياة الدنيا﴾

۱۲- دنیا زودگذر است. ﴿عرض الحياة الدنيا﴾ (کلمه «عرض» به معنای عارضی و

زودگذر است)

۱۳- ارزشها نباید فدای مال و مادیات شود. ﴿لا تکرهوا... لتبتغوا﴾

۱۴- حریم کنیزان مانند دختران آزاد است. ﴿لا تکرهوا فتياتکم علی البغاء﴾

۱۵- پاکدامنی و عفت برای زن بهترین ارزش است. ﴿ان اردن تحصناً﴾

۱۶- سرچشمه بخشی از گناهان، بزرگترها هستند. ﴿لا تکرهوا... اردن تحصناً﴾

۱۷- افراد مجبور شده به گناه، مورد عفو قرار می‌گیرند. ﴿فان الله من بعد اکراههم

غفور رحيم﴾

﴿۳۴﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن

قَبْلِكُمْ وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

همانا ما به سوی شما آیاتی روشنگر فرستادیم و از کسانی که قبل از

شما بودند نمونه‌هایی برجسته و پندی برای پرهیزکاران فرستادیم.

پیام‌ها:

۱- خداوند با مردم اتمام حجت می‌کند. ﴿أنزلنا اليكم آيات مبينات﴾

۲- آیات قرآن، نور و روشنگر است. ﴿آيات مبينات﴾

۳- تاریخ گذشتگان، چراغ راه آیندگان است. ﴿مثلاً من الذين خلوا من قبلكم﴾

۴- قرآن کتاب جامعی است. ﴿آیات - مثلاً - موعظه﴾

۵ - پند پذیری، دلی آماده می خواهد. ﴿موعظه للمتّقین﴾

۶- متّقین نیز به موعظه نیازمندند. ﴿موعظه للمتّقین﴾

﴿۳۵﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا
مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ
مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا
يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ
يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند، نور آسمانها وزمین است. مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن
چراغی (پر فروغ) باشد. آن چراغ در میان حبابی شیشه‌ای و آن شیشه همچون
ستاره‌ای تابان و درخشان، چراغ از روغن درخت پر برکت زیتونی بر افروخته
شده، که نه شرقی است و نه غربی. (روغنش به قدری صاف و شفاف است) که
بدون تماس آتش نزدیک است (شعله‌ور شود و) روشنی دهد. نوری است بر فراز
نور دیگر. هر کس را خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند، و خداوند برای
مردم مثلها می‌زند و خداوند به هر چیزی آگاه است.

نکته‌ها:

- «نور» یعنی چیزی که هم خودش روشن است و هم سبب روشنی اشیای دیگر می‌شود.
در فرهنگ اسلام اموری به عنوان «نور» معرفی شده است: قرآن، علم، عقل، ایمان،
هدایت، اسلام، پیامبر ﷺ و امامان معصوم .
- «مشکاة» یعنی چراغدان. «دُرّی» به معنای پر نور و پر فروغ است. «زیت» روغن زیتون را
گویند که وسیله‌ی روشنایی بوده است.
- اگر درخت زیتون در وسط باغ باشد، که در تمام روز آفتاب بخورد، روغنش بهتر می‌شود،

ولی اگر در اطراف باغ و مزرعه باشد، یا در وقت صبح آفتاب دارد یا عصر. ﴿زیتونۃ لشرقیۃ و لا غربیۃ﴾

□ ﴿اللّٰهُ نور السموات و الارض﴾ یعنی: خداوند هدایت کننده‌ی آسمان و زمین است. چون هدایت آفرینش، در آیات دیگر نیز آمده است. ﴿أعطى کل شیء خلقه ثمّ هدی﴾^(۱) و جمله‌ی ﴿نور علی نور﴾ به معنای هدایت‌های دایمی و پی در پی است و در پایان آیه نیز می‌فرماید: ﴿یهدی اللّٰهُ لنوره﴾

□ قرآن در این آیه خداوند را به نور تشبیه نموده است. با مطالعه اجمالی روشن می‌شود که نور دارای خواص و ویژگی‌های زیر است:

- ۱- نور، لطیف‌ترین موجود در جهان ماده و سرچشمه زیبائی‌ها و لطافت‌ها است.
 - ۲- نور، بالاترین سرعت را در جهان ماده داراست و با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه می‌تواند در یک چشم بر هم زدن (یعنی کمتر از یک ثانیه) کره زمین را هفت بار دور بزند، به همین دلیل مسافت‌های فوق‌العاده عظیم و سرسام‌آور نجومی را فقط با سرعت نور می‌سنجند و واحد سنجش آنها سال نوری است، یعنی مسافتی که نور در یک سال می‌پیماید.
 - ۳- نور، وسیله تبیین اجسام و مشاهده موجودات است، و بدون آن چیزی را نمی‌توان دید، بنا بر این هم «ظاهر» است و هم «مظهر» (ظاهر کننده غیر).
 - ۴- نور آفتاب که مهم‌ترین نور در دنیای ما است پرورش دهنده گلها و گیاهان بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است.
 - ۵- تمام انرژی‌های موجود در محیط (به جز انرژی اتمی) همه از نور آفتاب سرچشمه می‌گیرد، حرکت بادهای، ریزش باران و جریان نهرها و آبشارها و بالاخره حرکت همه موجودات زنده با کمی دقت به نور آفتاب منتهی می‌شود.
- سرچشمه گرما و حرارت و آنچه بستر موجودات را گرم نگه می‌دارد همان نور آفتاب است

حتی گرمی آتش که از چوب درختان و یا ذغال سنگ و یا نفت و مشتقات آن به دست می‌آید نیز از گرمی آفتاب است.

ع نور آفتاب نابود کننده انواع میکروب‌ها و موجودات موذی است و اگر تابش این نور پر برکت نبود کره زمین، تبدیل به بیمارستان بزرگی می‌شد که همه ساکنانش با مرگ دست به گریبان بودند.

خلاصه هر چه در این پدیده عجیب عالم یعنی نور می‌نگریم و دقیق‌تر می‌شویم آثار گرانبها و برکات عظیم آن آشکارتر می‌شود. اما عجیب است که بشر با این همه پیشرفت علمی از شناخت حقیقت نور که یک امر مادی است عاجز مانده و آن وقت در پی شناخت ذات و حقیقت خداست و چه بسا این نیز یکی از وجوه تشبیه خدا به نور باشد.

حال اگر بخواهیم برای ذات پاک خدا تشبیه و تمثیلی از موجودات حسی انتخاب کنیم (گر چه مقام با عظمت او از هر شبیه و نظیری برتر است) آیا جز از واژه «نور» می‌توان استفاده کرد؟ همان خدایی که پدید آورنده تمام هستی است، روشنی‌بخش عالم است، همه موجودات به برکت او زنده‌اند، و همه مخلوقات بر سر خوان نعمت او هستند که اگر لحظه‌ای لطف خود را از آنها باز گیرد همگی در ظلمت فنا و نیستی فرو می‌روند. جالب اینکه هر موجودی به هر نسبت با او ارتباط دارد به همان اندازه نورانیت کسب می‌کند:

قرآن نور است، چون کلام اوست.

اسلام نور است، چون آئین او است.

پیامبران نورند، چون فرستادگان اویند.

امامان انوار الهی هستند، چون حافظان آئین او بعد از پیامبرانند.

ایمان نور است، چون رمز پیوند با او است.

علم نور است، چون سبب آشنایی با او است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- جهان هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای آن از اوست. ﴿اللّٰهُ نُورِ السَّمَوَاتِ...﴾
- ۲- نور خدا هم گسترده است و هم ثابت. (نور درون حباب، هم گسترده است و هم از خاموش شدن محفوظ). ﴿المصباح فی زُجَاجَةٍ﴾
- ۳- زیتون، درخت مبارکی است. ﴿شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾
- ۴- نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ﴾
- ۵- گرچه خداوند نور آسمان‌ها و زمین و مایه خلقت و هدایت همه هستی است، اما جایگاه او در زمین، دل‌های پاک و شفاف افراد مؤمن است که با نور ایمان برافروخته می‌گردد و هرچه خلوص ایمان بیشتر باشد، تلالؤ بیشتری دارد. ﴿يَهْدِي اللّٰهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ...﴾

﴿۳۶﴾ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلّٰهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا

بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

(این نور هدایت) در خانه‌هایی است که خدا اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود. در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند.

نکته‌ها:

- در زیارت جامعه خطاب به ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌خوانیم: «جَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلّٰهِ أَنْ تَرْفَعَ...» بنابراین حرم امامان معصوم علیهم‌السلام، یکی از مصادیق این آیه است.
- کلمه‌ی «ترفع» در آیه به معنای بلندی مکانی نیز می‌تواند باشد، نظیر آیه‌ی ﴿اذ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ اِسْمَاعِيلَ﴾^(۱) که حضرت ابراهیم پایه‌های کعبه را بلند ساخت.
- امام باقر علیه‌السلام فرمود: مراد از «بیوت» در این آیه، خانه‌های انبیا و حکما و امامان معصوم

می‌باشد.^(۱) و «ثعلبی» در تفسیر خود نقل می‌کند: روزی پیامبر اکرم ﷺ مشغول تلاوت این آیه بود. ابوبکر برخاست و پرسید: آیا خانه‌ی فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام از مصادیق این آیه است؟ فرمود: آری، از بهترین مصادیق این آیه است.^(۲)

□ امام کاظم علیه السلام فرمود: مراد از «بالغدو و الآصال» در آیه، اوقات نماز است.^(۳)
 □ در فرهنگ قرآن، در موارد متعددی به جای نماز، واژه تسبیح آمده است، مانند: ﴿وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾^(۴)، ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ﴾^(۵)

پیام‌ها:

- ۱- راهیابی به نور هدایت خداوند، با رفت و آمد به مساجد به دست می‌آید. ﴿اللَّهُ نور... یهدی الله لنوره... فی بیوت...﴾
- ۲- مکان‌ها یکسان نیستند و بعضی از آنها، بر بعضی دیگر برتری دارند. ﴿فی بیوت أذن الله أن ترفع﴾
- ۳- مساجد باید از خانه‌های دیگر بهتر و برتر باشند. ﴿أن ترفع﴾
- ۴- بزرگی و عظمت، مخصوص خدا و مواردی است که او اجازه می‌دهد. ﴿أذن الله أن ترفع﴾
- ۵- اصل در استفاده از مساجد، نماز و ذکر خداست، نه مراسم دیگر. ﴿يُذَكِّرُ فِيهَا أَسْمَهُ﴾
- ۶- درهای مسجد باید در اوقات نماز باز باشد و کسی حق ندارد آن را ببندد. ﴿يَسْبَحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾
- ۷- تسبیح خداوند، باید هر صبح و شام تکرار شود. ﴿يَسْبَحُ... بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ (عنصر زمان و مکان در عبادت مؤثر است.)

۳. بحار، ج ۲۳، ص ۳۲۶.

۲. تفسیر روح المعانی.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۵. ق، ۳۹.

۴. آل عمران، ۴۱.

﴿۳۷﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ
وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، به خود مشغول نمی‌سازد، آنها از روزی که در آن، دلها و چشم‌ها دگرگون می‌شود، بیمناکند.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «رجال» در این آیه شامل همه‌ی بندگان خدا می‌شود، چه مرد و چه زن.
- «تجارت»، داد و ستد دائمی برای به دست آوردن سود است، ولی «بیع» خرید و فروش مقطعی برای رفع نیازهای زندگی است.^(۱)
- در حدیث می‌خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده است، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می‌کنند و به سوی نماز می‌روند.^(۲)
- تجارت، یکی از عواملی است که انسان را سرگرم می‌کند و از یاد خدا باز می‌دارد، عوامل دیگری نیز در قرآن کریم ذکر شده است، از جمله: تکاثر، آرزو، فرزند و دوست بد.

پیام‌ها:

- ۱- کسانی که تجارت آنان را غافل نکند، مردان بزرگی هستند. («رجال» با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است)
- ۲- اگر ایمان و اراده‌ی قوی باشد، ابزار و وسائل اثری ندارند. ﴿لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ﴾
- ۳- بازار اسلامی، هنگام نماز باید تعطیل شود. ﴿لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ﴾
- ۴- حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. ﴿لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ﴾
- ۵- ترک تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر نورالثقلین.

- ارزش است. ﴿لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً... عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ...﴾ (مردان خدا برای زندگی دنیوی تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند).
- ۶- ایمان به آخرت، دنیا را نزد انسان کوچک می‌کند. ﴿لَا تُلْهِمُهُمْ... يَخَافُونَ يَوْمًا﴾
- ۷- با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت، جداگانه مطرح شده است. ﴿ذَكَرَ اللَّهُ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ﴾
- ۸- نماز و زکات، در کنار یکدیگرند و کسانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. ﴿أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ﴾
- ۹- دنیا، شما را از آخرت غافل نکند. ﴿يَخَافُونَ يَوْمًا﴾
- ۱۰- صحنه‌های قیامت، چشم‌ها را خاشع و دل‌ها را منقلب می‌سازد. ﴿تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْبَصَارُ﴾

﴿ ۳۸ ﴾ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَ اللَّهُ

يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

تا خداوند به آنان به نیکوتر از آنچه کرده‌اند پاداش بدهد و از فضل و رحمت خویش بر پاداششان بیفزاید و خداوند هر کس را بخواهد، بدون حساب روزی می‌دهد.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند کم و کاستی‌های اعمال مردان خدا را جبران کرده و پاداش کامل به آنان می‌دهد. ﴿لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا﴾
- ۲- پاداش را بیش از عمل بدهید. ﴿وَ يَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ﴾ (در اسلام سفارش شده است که مزد را معین کنید، ولی هنگام پرداخت بیش از آن مقدار بدهید).
- ۳- اگر از سود دنیا بگذرید، به سود بی حساب آخرت می‌رسید. ﴿لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً - وَ اللَّهُ يَرْزُقُ ... بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (مراد از رزق بی حساب، پاداشی فراوان و فوق انتظار انسان است).

﴿۳۹﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ وَ
 اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

اعمال کسانی که کافر شدند همچون سرابی است در بیابان هموار که تشنه، آن را آب می‌پندارد، تا آن هنگام که به سراغ آن می‌آید آن را چیزی نمی‌یابد، و خدا را نزد خویش می‌یابد که حساب او را بی‌کم و کاست دهد و خداوند به سرعت به حساب‌ها می‌رسد.

نکته‌ها:

□ کلمه «قِيعَة» به معنای زمین مسطح و بزرگ همچون بیابان است و «ظَّمْثَان» کسی را می‌گویند که عطشش زیاد باشد. مصدر کلمه «وَقَّى» به معنای ادای کامل و بدون کم و کاست چیزی است.

پیام‌ها:

- ۱- شرط قبولی عمل، داشتن ایمان است و سعادت انسان نیز در گرو ایمان است.
- ۲- اعمال کفار فریبنده است. «کسراب...» (به انگیزه‌ها بنگرید، نه به جلوه‌ها و ظاهر تلاش‌ها).
- ۳- در تعلیم و تربیت، استفاده از مثال و تشبیه مؤثر است. «اعمالهم کسراب...»
- ۴- قیامت، روز بروز حقایق است. «لم یجد شئاً و وجد الله عنده»
- ۵- انگیزه‌ی تمام حرکت‌ها رسیدن به خیر است، لکن تفاوت در واقع بینی و خیال‌گرایی است. «یحسبه الظمثن ماء»
- ۶- کفار در قیامت، هیچ سرمایه‌ای ندارند. «لم یجد شئاً»
- ۷- علاوه بر عقیده، اعمال انسان در سرنوشت او مؤثر است. «لیجزیهم أحسن ما عملوا... اعمالهم کسراب...»

۸- در قیامت، رسیدگی به حساب افراد هم کامل و دقیق است و هم سریع. ﴿فَوَقَّاهِ حسابَه... سریع الحساب﴾ (برخلاف حسابرسی‌های دنیوی که یادقیق و کامل نیست و یا همراه معطلی است).

﴿ ۴ 〉 أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُنْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ

یا همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم موجی بزرگ آن را می‌پوشاند، که روی آن، موج دیگری است و بالای آن ابری، ظلماتی است تو در تو (که کافر در آن‌ها غرق شده است) هرگاه دست خود را برآورد، آن را نمی‌بیند و برای هر کس که خداوند نوری قرار ندهد، هیچ نوری برای او نخواهد بود.

نکته‌ها:

□ کافر عادی به اسلام نزدیک است و امیدی به بازگشت او هست، مانند کدورت ساده‌ای که میان دو نفر وجود دارد و کار آن دو به صلح و آشتی نزدیک است. اما کافرانی که در راه کفر، تلاش‌ها و اعمال خلاف بسیاری دارند، برگشت آنان بسیار سخت است. کافری که در عقیده‌اش اصرار ورزیده و به دنبال کفرش، حق را تحقیر و جنگ‌ها کرده و بودجه‌ها خرج نموده و افرادی را دور خود گردآورده و به این عنوان معروف شده، بازگشت او به دامن اسلام بسیار سخت و بعید است. زیرا هر تلاش او، موجی از ظلمت بر موج‌های قبل افزوده و اعمال کفرآلودش، کفر او را محکم‌تر ساخته و به جای این که راه را برای آنان باز کند، گمراه‌ترشان می‌کند و حجابی روی حجاب‌های قبلی است.

□ در برابر نور الهی (آیه ۳۵) که ﴿نورٌ علی نور﴾ بود، در این آیه سخن از ظلمت فوق ظلمت است. ﴿ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ﴾

پیام‌ها:

- ۱- الگوهای مثبت و منفی، هر دو را باید معرفی کرد. (الگوی مثبت؛ «رجالٌ لا تلهيهم...» و الگوی منفی: «والَّذِينَ كَفَرُوا... او كظلمات...»)
- ۲- عمل مؤمن، نور و عمل کافر، ظلمات است. «اعمالهم... كظلمات»
- ۳- اعمال خوب کفار، همچون سراب و اعمال بد آنها، همچون ظلمات است. «كسراب... او كظلمات»
- ۴- علم، انسان را از نور وحی بی‌نیاز نمی‌کند. اگر نور الهی نباشد، هیچ نوری انسان را نجات نمی‌دهد. «فما له من نور»

﴿۴۱﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ

صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

آیا ندیدی که هر که در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال گشوده (در حال پرواز) برای خدا تسبیح می‌گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می‌دانند؟ و خداوند به آنچه می‌کنند، داناست.

﴿۴۲﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، مخصوص خداست. و بازگشت (همه) به سوی اوست.

نکته‌ها:

□ قرآن، بارها مسأله‌ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آنها را با صراحت بیان کرده و فرموده است: شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید.^(۱) از این آیات به دست می‌آید که علم و شعور، مخصوص انسان‌ها نیست. گرچه بعضی مفسران تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی

و زبان حال آفرینش دانسته‌اند، ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطلب است.

□ خداوند، در این آیه چند مرتبه به صورت غیر مستقیم، به انسان هشدار داده است:

الف: موجودات آسمان و زمین و پرندگان در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟

ب: تسبیح موجودات، آگاهانه است. چرا انسان در نماز حضور قلب ندارد؟

ج: پرندگان، هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند، اما برخی انسان‌ها هنگام پرواز در آسمان، در حال غفلت و مستی به سر می‌برند!

□ در روایات می‌خوانیم: امام صادق علیه السلام هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود: این پرنده مشغول دعا و تسبیح است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- تنها به خود نیندیشید، به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه و اندیشه کنید. ﴿أَلَمْ تَرَ﴾
- ۲- در میان موجودات هستی، پرندگان، آن هم در حال پرواز، توجّه خاصی به خدا دارند. ﴿وَالطَّيْرُ صَافَّاتٌ﴾
- ۳- همه‌ی موجودات، شعور دارند و نماز و تسبیح آنها، آگاهانه است. ﴿كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ﴾
- ۴- نماز، در صورتی ارزش دارد که نمازگزار بداند چه می‌گوید و چه می‌کند. ﴿كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ﴾
- ۵- نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصی است. ﴿صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ﴾
- ۶- خداوند، بر جزئیات تمام اعمال آگاه است. ﴿عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾
- ۷- نظام هستی، هم فرمانروا دارد؛ ﴿وَلِلَّهِ مُلْكٌ...﴾ و هم هدفدار است. ﴿وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾

۱. تفسیر کبیر فخر رازی، روح البیان.

﴿۴۳﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا
فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا
مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ
سَنَابِرُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می‌راند. سپس بین آنها پیوند
برقرار می‌کند. آن‌گاه آن را متراکم می‌سازد. پس می‌بینی که باران از میان
آن بیرون می‌آید و (همچنین) از آسمان از کوه‌هایی که در آنجاست،
تگرگ فرو می‌فرستد. پس آن را به هر کس بخواهد می‌رساند و از هر کس
بخواهد باز می‌دارد. نزدیک است درخشندگی برقش، چشم‌ها را کور کند.

نکته‌ها:

- «يُزْجِي» به معنای حرکت آهسته همراه با دفع است.
- کلمه «رُكَّام» به معنای تراکم و «وَدْق» به معنای باران است. کلمه‌ی «سَنَا» به معنای درخشش است و «سَنَا بَرَق» یعنی درخشش برق.
- اگر کسی با هواپیما بالاتر از ابرها پرواز کند، می‌بیند که توده‌های ابر مثل کوه است و این از معجزات قرآن است که ۱۴ قرن قبل فرمود: «يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ» از کوه ابر، تگرگ می‌فرستیم.

پیام‌ها:

- ۱- دَقْتُ در آفرینش، بهترین راه شناخت خدا و مایه‌ی عشق به اوست. ﴿أَلَمْ تَرَ...﴾
- ۲- تمام حرکت‌ها در جهان طبیعت، با قدرت و اراده‌ی الهی و برای هدفی حکیمانه انجام می‌گیرد. ﴿يُزْجِي، يُؤَلِّفُ، يَجْعَلُهُ﴾
- ۳- عوامل طبیعی، مسیر تحقق اراده‌ی خداست، نه به جای خدا. ﴿يُزْجِي، يُؤَلِّفُ، يَجْعَلُهُ، يُنْزِلُ﴾

۴- بارش باران و تگرگ و مفید بودن یا مضر بودن آن به اراده خداست. ﴿فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ﴾

﴿۴۴﴾ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

خداوند، شب و روز را جا به جا می‌کند. همانا در این امر برای اهل بصیرت، عبرتی قطعی است.

پیام‌ها:

- ۱- تغییرات و آمد و رفت شب و روز، تصادفی نیست، بلکه بر اساس نظامی دقیق استوار است. ﴿يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾
- ۲- پدیده‌های هستی عبرت‌انگیز است، درباره آن تفکر کنید. ﴿لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾
- ۳- کسی که اهل بصیرت باشد، می‌تواند از همه‌ی زمانها و مکانها درس بگیرد. ﴿الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ... لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾
- ۴- تشویق به تدبّر و نهی از سطحی‌نگری، از سفارشات پی در پی قرآن است. ﴿لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾

﴿۴۵﴾ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ

مِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ

اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و خداوند هر جنبه‌ای را از آب آفرید، پس برخی از آنها بر شکم خویش راه می‌رود و برخی بر دو پا راه می‌رود و بعضی بر چهار پا راه می‌رود. خداوند هر چه بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.

نکته‌ها:

□ در این آیه، خداوند به اصناف حیوانات اشاره فرموده است: خزندگان، چرندگان و پرندگان.

- تفکر در ساختمان وجودی حیوانات، گامی برای خداشناسی است.
- حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره‌ی برخی حیوانات از جمله طاووس و مورچه سخنانی آموزنده گفته است.
- این آیه بدنبال آیه قبل است؛ یعنی همان گونه که جابجایی شب و روز برای اهل بصیرت عبرت آموز است، آفرینش همه حیوانات از آب نیز وسیله‌ی عبرت است.
- ممکن است تنوین در کلمه‌ی «ماء» به اصطلاح تنوین «تنويع» باشد، یعنی خداوند انواع موجودات را از انواع آبها و مایعات مناسب خود آفرید.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی جنبنده‌ها با اراده‌ی او آفریده شده‌اند. ﴿وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ﴾
- ۲- اگر انسان در حرکت و رشد معنوی نباشد، در حرکت ظاهری همچون دیگر جنبندگان خواهد بود. ﴿يَمْشِي، يَمْشِي، يَمْشِي﴾
- ۳- ماده‌ی اصلی همه‌ی جنبنده‌ها آب است، ﴿ماء﴾ ولی قدرت‌نمایی خدا به گونه‌ای است که از این ماده‌ی ساده، این همه موجودات متنوع خلق می‌کند. ﴿وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي... وَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي... وَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي...﴾

﴿۴۶﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٍ

به راستی که آیاتی روشنگر نازل کردیم و خداوند هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند.

نکته‌ها:

- در فرق میان کلمات «سَبِيل» و «طَرِيق» با «صِرَاط» گفته‌اند که صراط به راهی می‌گویند که پیمودن آن هموار باشد و هیچ پیچیدگی و دشواری نداشته باشد.^(۲)

۱. تفسیر راهنما.

۲. فروق اللغة.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند با فرستادن آیات روشن و روشنگر، اتمام حجت کرده است. ﴿انزلنا آیات مبیّنات﴾
- ۲- آیات الهی وسیله‌ی هدایت هستند ولی اصل هدایت کار اوست. ﴿والله یهدی من یشاء...﴾

﴿۴۷﴾ وَیَقُولُونَ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ یَتَوَلَّى فَرِیقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِینَ

و می‌گویند: ما به خدا و رسول ایمان آوردیم و پیروی نمودیم. اما گروهی از آنان بعد از این اقرار، (به گفته خود) پشت می‌نمایند و آنان مؤمن واقعی نیستند.

نکته‌ها:

- این آیه و آیات بعد درباره‌ی منافقان مدینه است که ادعای یاری پیامبر را داشتند، ولی در عمل سربپیچی می‌کردند.

پیام‌ها:

- ۱- به شعارهای زیبا و فریبنده تکیه نکنیم، ایمان و ثبات قدم لازم است. ﴿یقولون... یتولی﴾
- ۲- پیمان شکن، دین ندارد. ﴿یقولون - یتولی - ما اولئک بالمؤمنین﴾
- ۳- ایمان، از عمل جدا نیست. ﴿یتولی... و ما اولئک بالمؤمنین﴾ (منافقان در کنار «آمنّا»، کلمه‌ی «أطعنا» را می‌آوردند، ولی در عمل بی‌اعتنا بودند.)

﴿۴۸﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِیقٌ مِّنْهُمْ

مُغْرَضُونَ ﴿۴۹﴾ وَإِنْ یَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ یَأْتُوا إِلَیْهِ مُذْعِنِینَ

و هرگاه به سوی خدا و رسولش خوانده شوند، تا پیامبر میانشان داوری

کند، آن گاه است که گروهی از آنان، روی گردان می‌شوند. و (لی) اگر حقّ با آنان (و به سودشان) باشد، با رضایت و تسلیم به سوی پیامبر می‌آیند.

نکته‌ها:

□ قضاوت و داوری رسول خدا ﷺ بر اساس حکم خداست. چنانکه در آیه ۱۰۵ سوره نساء می‌خوانیم: ﴿لَتَحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ﴾ تا میان مردم به (موجب) آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی.

پیام‌ها:

- ۱- نشانه‌ی ایمان واقعی، پذیرفتن حکم پیامبر و نشانه‌ی نفاق، روی‌گردانی از آن است. ﴿إِذَا دُعُوا... فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ﴾
- ۲- داوری و قضاوت از شئون انبیا می‌باشد. ﴿لِيَحْكَمَ بَيْنَهُمْ﴾
- ۳- حکم پیامبر، همان حکم خداوند است. («لیحکم» مفرد آمده، نه تشنیه)
- ۴- در انتقاد، انصاف داشته باشید و همه را نکوبید. ﴿فَرِيقٌ مِنْهُمْ﴾
- ۵- قضاوت عادلانه، خوشایند گروهی از مردم نیست. ﴿فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ﴾
- ۶- به هر گرویدن و اظهار علاقه‌ای تکیه نکنید. ﴿وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ...﴾ (به سراغ پیامبر می‌آیند، اما در صورتی که سخن پیامبر به نفع آنها باشد!)
- ۷- منافق، فرصت طلب است و نان را به نرخ روز می‌خورد. ﴿إِنْ يَكُنْ لَهُمُ... مُذْعِنِينَ﴾
- ۸- پیامبر اکرم ﷺ حتی برای منافقان، (آنجا که حق با آنان بود) به نفع آنان حکم می‌کرد. ﴿لِيَحْكَمَ بَيْنَهُمْ... إِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ﴾

﴿۵۰﴾ أَفَى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ أَرْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ

عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

آیا در دل‌هایشان بیماری است، یا دچار شک شده‌اند، یا بیم آن دارند که خداوند و پیامبرش حقّی از آنان ضایع کنند؟ (نه)، بلکه آنان خود ستمگرند.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «حیف» به معنای خروج از اعتدال، از روی ظلم و جور است.

پیام‌ها:

- ۱- بی‌ایمانی، یک مرض روحی است. ﴿وَمَا أَوْلَتْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ... أَفَى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾
- ۲- دلیل اعراض از داوری پیامبر سه چیز است: بیماری‌های روحی، تردید و سوءظن. ﴿أَفَى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾
- ۳- شک و سوءظن به خدا، ظلم است. (ظلم به خود و انبیا) ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

﴿۵۱﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ

بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

(ولی) هنگامی که مؤمنان را به خدا و پیامبرش فراخوانند، تا میانشان

داوری کند، سخنشان جز این نیست که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم،

اینان همان رستگارانند.

نکته‌ها:

- چهار آیه‌ی قبل، برخورد منافقان نسبت به داوری پیامبر اسلام را ترسیم کرد و این آیه برخورد مؤمنان واقعی را مطرح می‌کند، تا مردم در خود بنگرند که در برابر حکم خداوند از کدام دسته هستند.

پیام‌ها:

- ۱- حرف و راه مؤمن در برابر حکم خدا و رسول، همیشه یکی است. ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ﴾
- ۲- تسلیم در برابر حق، شیوه دائمی مؤمنان است. ﴿كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ... سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا﴾
- ۳- توجّه مؤمن به راهی است که دعوت می‌شود، نه شخصیت دعوت کننده. ﴿دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾

- ۴- آنچه برای مؤمن مهم است، عمل به وظیفه‌ی الهی و پذیرش حکم خدا و رسول است. (خواه به نفع او باشد یا به ضررش). ﴿لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ﴾
- ۵- داوری از شئون انبیا است. ﴿لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ﴾
- ۶- آنچه مهم است، شنیدن و عمل کردن است، نه شنیدن تنها. ﴿سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا﴾
- ۷- اطاعت مؤمنان از پیامبر، براساس تعبد به سخنان و دستورات اوست. (تقدیم ﴿سَمِعْنَا﴾ بر ﴿اطَعْنَا﴾)
- ۸- رسیدن به رستگاری، در سایه‌ی تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و اطاعت از اوست. ﴿سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اولئك هم المفلحون﴾
- ۹- دینداری، به هنگام اختلافات و قبول یا ردّ قضاوت‌های حق، معلوم می‌شود. ﴿سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا﴾

﴿۵۲﴾ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

و هر که از خداوند و رسولش پیروی کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان رستگارانند.

پیام‌ها:

- ۱- سعادت، کاری به نژاد و سن و جنس و قبیله ندارد، هرکس تسلیم خدا باشد، رستگار می‌شود. ﴿مَنْ يُطِيع... هم الفائزون﴾
- ۲- پیامبر ﷺ معصوم است، زیرا اطاعت از او، بی قید و شرط آمده است. ﴿مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ﴾
- ۳- آنچه ارزش است، خشیت درونی و پروای بیرونی است. ﴿يَخْشَ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ﴾
- ۴- اطاعت نباید موجب غرور شود، بلکه روحیه‌ی خشیت و تقوا لازم دارد. ﴿يُطِيعَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ﴾
- ۵- خدا ترسانِ تقوا پیشه که مطیع خدا و رسولند، حتماً رستگار می‌شوند.

﴿فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾

﴿۵۳﴾ وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً مَّعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

و سخت‌ترین سوگندها را به نام خدا خوردند، که اگر (برای جبهه و جهاد) دستور دهی، از خانه خارج می‌شوند. (به آنان) بگو: سوگند نخورید، اطاعت پسندیده (اطاعت در عمل است، نه سوگند به زبان)، همانا خداوند به کارهایی که انجام می‌دهید آگاه است.

پیام‌ها:

- ۱- به هر سوگندی اطمینان نکنید. زیرا منافقان از مقدّسات سوء استفاده می‌کنند. ﴿واقسموا بالله...﴾
- ۲- هرچه درون پوک‌تر باشد، تظاهر و خودنمایی بیشتر است. ﴿جهّد ایمانهم﴾
- ۳- مسلمانی، به گفتار نیست، کردار لازم است. ﴿طاعةٌ معروفة﴾
- ۴- با نپذیرفتن سوگند منافقان، جلو سوء استفاده آنان را بگیرید. ﴿قل لاتقسموا﴾
- ۵- منافقان بدانند که خدا به گفتار و رفتار آنها آگاه است. ﴿انّ الله خبير بما تعملون﴾

﴿۵۴﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

بگو: خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی نمایند، (به) پیامبر زیانی نمی‌رسد، زیرا) بر او فقط آن (تکلیفی) است که به عهده‌اش گذاشته شده و بر شما نیز آن (تکلیفی) است که به عهده‌ی شما گذاشته شده است. و اگر اطاعتش کنید، هدایت می‌یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیتی ندارد.

نکته‌ها:

- دستورا پیامبر دو گونه است: یکی دستورات الهی؛ «اطيعوا الله» و دیگری دستورات حکومتی؛ «اطيعوا الرسول».
- در قرآن به مواردی برمی‌خوریم که دو دستور در کنار یکدیگر ذکر شده است و باید هر دو اجرا شود و عمل کردن به یکی کافی نیست، از جمله:
- * ایمان و عمل. «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^(۱)
- * نماز و زکات. «اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»^(۲)
- * تشکر از خداوند و والدین. «أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ»^(۳)
- * اطاعت از خدا و رسول. «اطيعوا الله واطيعوا الرسول» که در این آیه آمده است.
- در قرآن، جمله «وَإِنْ تَوَلَّوْا» زیاد بکار رفته است و در تمام موارد به پیامبر دلداری می‌دهد که از بی‌اعتنایی مردم نسبت به تبلیغ خود دلسرد نشود.

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر مأمور است که منافقان را نیز به اطاعت فراخواند. «قُلْ اطيعوا...»
- ۲- اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر ﷺ مثل اطاعت از دستورات خدا، واجب است. «اطيعوا الرسول»
- ۳- رهنمودهای پیامبر هماهنگ با فرمان‌های الهی است. «اطيعوا الله واطيعوا الرسول»
- ۴- پیروی یا سرپیچی مردم، در ادای وظیفه‌ی پیامبران اثری ندارد. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ»
- ۵- تکلیف هر فردی، مربوط به خود اوست. «عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ»
- ۶- هدایت، در سایه اطاعت است. «إِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا»
- ۷- پیامبران، ابلاغ می‌کنند نه اجبار. «وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»

۳. لقمان، ۱۴.

۲. بقره، ۴۳.

۱. بقره، ۲۵.

﴿ ۵۵ 》 وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُعْبَدُنَّ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

نکته‌ها:

□ در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم: مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام است.^(۱) که خداوند وعده داده است در آن روز اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.

□ در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله: سه مرتبه فرمود: «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^(۲) اسلام بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد. در جای دیگری فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^(۳) بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

و در جای دیگر می‌خوانیم: «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»^(۴) یا «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^(۵)

□ مراد از جانشینی مؤمنان، یا جانشینی از خداست در زمین و یا جایگزینی از اقوام پیشین.

□ «قُرْطَبی» در تفسیر خود، درباره‌ی پیروزی کامل اسلام چند حدیث نقل می‌کند و می‌گوید:

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸ و صف، ۹. ۳. انبیاء، ۱۰۵. ۴. طه، ۱۳۲. ۵. اعراف، ۱۲۸.

در زمین خانه‌ای نخواهد بود مگر آن که اسلام در آن خانه وارد خواهد شد.

□ پیامبر اکرم ﷺ در آخرین حج خود در مسیر برگشت از مکه (روز هیجدهم ذی‌الحجه) در غدیر خم به فرمان خداوند، حضرت علی (علیه السلام) را جانشین خود قرار داد، آیه نازل شد امروز من اسلام را به عنوان دین کامل برای شما پسندیدم؛ «رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۱) در این آیه نیز وعده‌ی خداوند پیروزی آن دینی است که پسندیده است؛ «دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»، بنابراین اسلامی که جهان را خواهد گرفت، اسلام غدیر خم است.

پیام‌ها:

- ۱- اسلام، دین آینده‌ی جهان است. آینده‌ی تاریخ به سود مؤمنان و شکست سلطه‌ی کافران است. «وَعَدَ اللَّهُ... لِيَكُنَّ لَهُمْ دِينُهُمْ»
- ۲- به مؤمنان، امید دهید تا فشار و سختی‌ها، آنها را مأیوس نکند. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»
- ۳- کلید و رمز لیاقت برای بدست گرفتن حکومت گسترده حق، ایمان و عمل صالح است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»
- ۴- دین، از سیاست جدا نیست، بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. «لِيَسْتَخْلَفَنَّهُمْ... يَعْبُدُونِي»
- ۵- در بیان وعده‌های الهی، برای باور کردن مردم، بیان نمونه‌هایی از تاریخ گذشته مفید است. «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»
- ۶- پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»
- ۷- هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. «لِيَكُنَّ لَهُمْ دِينُهُمْ - لِيُبَدِّلَنَّهُمْ - لَا يَشْرِكُونَ»
- ۸- دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. «وَعَدَ اللَّهُ... لِيَكُنَّ لَهُمْ - لِيُبَدِّلَنَّهُمْ»
- ۹- دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. «دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»

- ۱۰- اَمْنِیت واقعی، در سایه‌ی حکومت دین است. ﴿وَلْيَبْدُلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾
 ۱۱- اَمْنِیت در جامعه‌ی اسلامی، شرایط مناسبی برای عبادت فراهم می‌سازد. ﴿أَمْنَا يَعْبُدُونِي﴾ (هدف نهایی وعده‌های الهی، عبادت خالصانه خداوند است)
 ۱۲- عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ‌گونه شرکی در کنار آن نباشد. ﴿يَعْبُدُونِي لَا يَشْرِكُونَ﴾
 ۱۳- در زمان حکومت صالحان نیز، گروهی انحراف خواهند داشت. ﴿وَعَدَالَهُ ... وَ مِنْ كُفْرٍ بَعْدَ ذَلِكَ﴾

﴿۵۶﴾ وَ أَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۵۷﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا أَوَاهُمُ النَّارُ وَ لِبَيْسٍ الْمَصِيرُ

و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید. شاید مورد رحمت قرار گیرید. هرگز گمان مبر که کفار، ما را در زمین عاجز و درمانده می‌کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که بدسرانجامی است.

نکته‌ها:

- امام صادق علیه السلام با تلاوت آیه ۵۶ فرمود: زکاتِ فطره، مصداق زکات در آیه و واجب است.^(۱)
- شاید آیه ۵۷ پاسخ سؤالی باشد که با آن همه کفر و نفاق و امکاناتی که مخالفان دارند، چگونه خداوند به مؤمنان وعده حاکمیت بر زمین را می‌دهد؟ این آیه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ﴾ تردید نکن، زیرا مخالفان نمی‌توانند در هیچ کجای زمین اراده و راه خداوند را مختل و عاجز نمایند. بر خلاف میل و پندار نادرست دشمنان، روزی حکومت امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد.^(۲)

۱. بحار، ج ۹۳، ص ۱۰۴. ۲. تفسیر المیزان.

پیام‌ها:

- ۱- اقامه نماز و ادای زکات، نمونه بارز عمل صالحی است که در حاکمیت مؤمنان انجام می‌شود. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... اَقِمُوا الصَّلَاةَ...﴾
- ۲- در اسلام، مسائل عبادی ﴿اَقِمُوا الصَّلَاةَ﴾ و مسائل مالی ﴿آتُوا الزَّكَاةَ﴾ و مسائل سیاسی و حکومتی ﴿اطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ از یکدیگر جدا نیستند.
- ۳- وعده‌های الهی (در آیه قبل)، سبب تن‌پروری نشود! ﴿اَقِمُوا... آتُوا الزَّكَاةَ...﴾
- ۴- شرط رسیدن به رحمت الهی، پیروی از خدا و رسول است. ﴿لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ﴾
- ۵- کفار، اگر چه ابرقدرت باشند، اما در برابر قدرت خدا شکست خواهند خورد. ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ...﴾

﴿۵۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ
الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ
حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ
ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ
عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غلامان و فرزندان که به سن بلوغ و احتلام
نرسیده‌اند، در سه وقت (برای ورود به اتاق) از شما اجازه بگیرند: پیش از
نماز صبح و هنگام نیمروز، که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز
عشا. این سه وقت، هنگام خلوت شماست، اما در غیر این سه وقت، بر شما
و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما
در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می‌شوند. خداوند آیات
خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.

نکته‌ها:

□ اگر بار دیگر، از ابتدای سوره نگاهی به آیات آن بکنیم، خواهیم دید که سیاست پیشگیری از گناه در احکام الهی نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه ۱) ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه ۳) اگر کسی بدون چهار شاهد نسبت ناروا داد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه ۴) اگر تهمت را شنیدید برخورد کنید، (آیه ۱۲) هرکس اشاعه فحشا را دوست بدارد، عذاب دردناک خواهد داشت، (آیه ۱۹) بدنبال گام‌های شیطان نروید، (آیه ۲۱) کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۲۳) پاکان به سراغ ناپاکان نروند، (آیه ۲۶) سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید بپذیرید و برگردید، (آیه ۲۷-۲۸) چشمان خود را از نامحرم پیش کشید و خیره نشوید، (آیه ۳۰-۳۱) زنان زیور خود را نشان ندهند، برای ازدواج افراد بی‌همسر قیام کنید و از فقر نترسید، (آیه ۳۲) و در این آیه می‌فرماید: ساعاتی با همسران خلوت کنید که بدانید فرزندان و خادمان منزل سرزده وارد نمی‌شوند. آری تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

پیام‌ها:

- ۱- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ﴾
- ۲- محل خواب والدین، اگر جدا از فرزندان باشد، نیاز به اذن دارد. ﴿لِيَسْتَأْذِنَكُمْ﴾
- ۳- کودکی و بردگی، بهانه‌ای برای شکست حریم دیگران نیست. ﴿لِيَسْتَأْذِنَكُمْ﴾
- ۴- مرد باید در طول شبانه روز، اوقاتی را به همسر خود اختصاص دهد. ﴿ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ﴾
- ۵- حتی فرزندان نابالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات کنند. ﴿لِيَسْتَأْذِنَكُمْ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾
- ۶- اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه

دارد. و هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین. «لِیَسْتَأْذِنَکُمْ... الَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ»

۷- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. «لِیَسْتَأْذِنَکُمْ»

۸- تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. «الَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ»

۹- لباس کار و لباس بیرون را باید در خانه کنار گذاشت. «تَضَعُونَ ثِیَابَکُمْ»

۱۰- استراحت بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. «تَضَعُونَ ثِیَابَکُمْ مِنَ الظَّهِیرَةِ»

۱۱- تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد. «قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ - بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ»

۱۲- تمام احکام الهی بر اساس علم و حکمت است. «عَلِیمٌ حَکِیمٌ»

«۵۹» وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْکُمُ الْحُلُمَ فَلِیَسْتَأْذِنُوا کَمَا أَسْتَأْذِنَ

الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کَذَٰلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ

و هر گاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید همانند کسانی که قبلاً بالغ شده‌اند، (در همه وقت) اجازه (ورود) بگیرند. خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «حُلُم» و «احتلام» به معنای جنب شدن در خواب است که یکی از نشانه‌های بلوغ می‌باشد. البته نشانه‌های بلوغ برای دختران و پسران متفاوت است که در رساله‌های مراجع تقلید آمده است.

□ آیه‌ی قبل، اجازه گرفتن کودکان را به سه زمان مشخص اختصاص داد، اما این آیه زمان مشخصی را اعلام نکرده و فرزندان بالغ، در تمام اوقات باید برای ورود به اتاق والدین، اجازه بگیرند.

□ برای ریشه کن ساختن یک مفسده اجتماعی مانند اعمال منافی عفت تنها توسل به اجرای حدود و تازیانه کافی نیست، در هیچ یک از مسائل اجتماعی چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نخواهد داد، بلکه باید مجموعه‌ای ترتیب داد از آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی، و آموزش‌های صحیح اسلامی، و ایجاد یک محیط اجتماعی سالم، سپس مجازات را به عنوان یک عامل در کنار این عوامل در نظر گرفت.

به همین دلیل در این سوره نور که در واقع سوره عفت است از مجازات مردان و زنان زناکار شروع می‌کند، و به مسائل دیگر مانند فراهم آوردن وسائل ازدواج سالم، رعایت حجاب اسلامی، نهی از چشم‌چرانی، تحریم متهم ساختن افراد به آلودگی ناموسی، و بالاخره اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به اطاق پدران و مادران، گسترش می‌دهد. و این نشان می‌دهد که اسلام از هیچ یک از ریزه‌کاری‌های مربوط به این مسأله غفلت نکرده است.

خدمتکاران و فرزندان بالغ نیز موظفند بدون اجازه وارد نشوند، حتی کودکان نابالغ که مرتباً نزد پدر و مادر هستند نیز آموزش داده شوند که در اوقات استراحت پدر و مادر بدون اجازه وارد نشوند. این یک ادب اسلامی است هر چند متأسفانه امروزه کمتر رعایت می‌شود و با اینکه قرآن صریحاً آن را در آیات فوق بیان کرده است، در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها نیز کمتر دیده می‌شود که پیرامون این حکم اسلامی و فلسفه آن بحث شود، و معلوم نیست به چه دلیل این حکم قطعی قرآن مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته است؟

لازم است پدران و مادران این مسائل را جدی بگیرند، و فرزندان خود را عادت دهند هنگام ورود اجازه بگیرند، و همچنین از کارهایی که سبب تحریک فرزندان می‌گردد از جمله خوابیدن زن و مرد در اطاقی که بچه‌های ممیز می‌خوابند تا آنجا که امکان دارد پرهیز کنند، و بدانند این امور از نظر تربیتی فوق العاده در سرنوشت آنها مؤثر است.

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم: «اَیُّکُمْ وَ انْ یَّجَامِعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ الصَّبِیُّ فِی الْمَهْدِ یَنْظُرُ إِلَیْهَا»^(۱) مبدا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید.^(۲)

۱. بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۵. ۲. تفسیر نمونه.

پیام‌ها:

- ۱- احتلام، نشانه رسیدن به بلوغ شرعی است. ﴿و اذا بلغ الاطفال... الحُلُم﴾
- ۲- بزرگان و اطرافیان، برای نوجوانان الگو هستند. ﴿كما استأذن الذین من قبلهم﴾
- ۳- با اعمال خود، فرزندان را تربیت کنید. ﴿كما استأذن الذین من قبلهم﴾
- ۴- دستوراتی که خداوند برای حفظ عفت صادر کرده، آگاهانه و حکیمانه است. ﴿علیم حکیم﴾

﴿۶۰﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و بر زنان وانشسته‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند. و عفت و ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است.

نکته‌ها:

- از آیات قرآن استفاده می‌شود که حجاب و پوشش بانوان در برابر افراد نامحرم، نباید تحریک کننده و شهوت انگیز باشد، زیرا تنها موارد زیر استثنا شده است:
 - * ﴿غیر اولی الاربة﴾^(۱) کسی که شهوتی ندارد.
 - * ﴿او الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء﴾ بچه‌ای که از شهوت، چیزی نمی‌داند.
 - * ﴿لا یرجون نکاحاً﴾ زنان سالخورده‌ای که امید ازدواج ندارند.
- امام صادق علیه السلام درباره‌ی ﴿یضعن ثیابهن﴾ فرمودند: مراد کنار گذاشتن روسری و روبوش است نه برهنگی.^(۲)
- اصل حجاب از احکام ثابت و ضروری اسلام است، ولی نوع پوشش، نباید تمایلات جنسی

۲. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۵۷، ص ۵۲۲.

۱. نور، ۳۱.

را تحریک کند، بلکه عامل حفظ عفت و پاکدامنی باشد.

پیام‌ها:

- ۱- قوانین اسلام مطابق با واقعیت‌ها و ضرورت‌ها و نیازها و توانایی‌ها است. (باید برای پیرزنی که میل به همسر ندارد و آرایش نمی‌کند، مسئله را آسان گرفت) ﴿والتواعد من النساء اللّٰتی لا یرجون نکاحاً... ان یضعن ثیابهن﴾
- ۲- برای زنان، چه پیر و چه جوان، نشان دادن آرایش و زینت بدن ممنوع است. ﴿غیر متبرّجات بزینة﴾
- ۳- سالخوردگی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بی‌میلی به ازدواج نیز باشد تا اجازه برداشتن روسری را داشته باشند. ﴿التواعد... لا یرجون نکاحاً﴾
- ۴- حجاب، مایه‌ی حفظ عفت است. ﴿ان یرتفعن خیر لهن﴾
- ۵- حجاب، به نفع زنان است. ﴿خیر لهن﴾
- ۶- در کنار آزادی، هشدار لازم است. (اگر از احکام الهی، سوء استفاده شود، خدا شنوا و آگاه است و به حساب متخلفان می‌رسد). ﴿والله سميع علم﴾

﴿۶۱﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بر نابینا و لنگ و بیمار و بر خودتان ایرادی نیست که بخورید از خانه‌های خود یا خانه‌های پدران‌تان یا خانه‌های مادران‌تان یا خانه‌های برادران‌تان یا خانه‌های خواهران‌تان یا خانه‌های عموهای‌تان یا خانه‌های عمه‌های‌تان یا خانه‌های دایی‌های‌تان یا خانه‌های خاله‌های‌تان یا خانه‌هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید، یا خانه‌های دوستان‌تان. بر شما باکی نیست که دسته جمعی بخورید یا پراکنده (و تنها)، و چون وارد خانه‌ای شدید، پس بر یکدیگر سلام کنید، که تحیتی است الهی و مبارک و پسندیده. خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید که بیندیشید.

نکته‌ها:

- امام باقر (ع) می‌فرماید: قبل از اسلام، افراد نابینا، لنگ و مریض حقّ نداشتند با افراد سالم غذا بخورند. این آیه به آنان اجازه داد تا با افراد سالم و دسته‌جمعی غذا بخورند، یا اگر خواستند جداگانه میل کنند.^(۱)
- علامه طباطبایی می‌فرماید: ظاهر آیه چنین است که خداوند برای مؤمنان حقّی قرار داده که بتوانند از خانه فرزندان و خویشان و دوستانشان به میزان احتیاج بخورند و مصرف کنند و این اذن، کلی و فراگیر است، لکن ابتدای آیه به سه گروه اشاره کرده که معمولاً نمی‌توانند غذای خود را تأمین کنند و نیازمند دیگران هستند، اما حکم به این سه گروه اختصاصی ندارد و برای همه مؤمنان است.^(۲)
- این آیه تنها اجازه استفاده از خانه خویشانِ نسبی را بیان کرده و نامی از فامیل سببی مثل پدرزن، مادرزن، برادرزن و خواهرزن نبرده است.
- این آیه تنها درباره‌ی غذا خوردن است، ولی تصرّفات دیگر مشروط به گرفتن اجازه است. و خوردن غذا از خانه‌های یاد شده نیز باید طبیعی و دور از اسراف و تبذیر باشد.^(۳)
- در موارد ذکر شده در آیه نیز، گاهی قرائن نشان می‌دهد که این یازده گروه میل ندارند از

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر المیزان.

۳. تفسیر صافی.

غذای خانه آنان بخوریم، مثل آنکه خوردنی را در جای مخصوصی پنهان کرده‌اند. در چنین مواردی باید دست نگه‌داریم.

□ امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که شخصی وارد خانه می‌شود و بر اهل آن سلام می‌کند و آنان جواب دهند، این سلام بر خویشان است.^(۱)

□ خانهای فرزندان در این آیه نیامده است، شاید به خاطر این که این مورد، روشن و مسلم است. در حدیث می‌خوانیم: «انت و مالک لابیك» تو و مالت از آن پدرت می‌باشید.

پیام‌ها:

- ۱- روابط خانوادگی و خویشاوندی، در مسائل حقوقی اثر می‌گذارند. (گرچه غذا ملک صاحبخانه است، ولی اسلام روابط خویشاوندی و عاطفی را در این موارد بر مالکیت افراد غالب نموده است.) «أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ... بَيْوتِ أَعْمَامِكُمْ»
- ۲- قرائن عرفی و اطمینان عقلایی برای جواز مصرف از خانه دیگران کافی است. (مثلاً دادن کلید خانه، نشان رضایت است) «مَلِكُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ»
- ۳- در اسلام، حق دوست در کنار حق فامیل قرار داده شده است. «أَعْمَامِكُمْ... أَوْ صَدِيقِكُمْ» (از «افلاطون» پرسیدند: برادرت را بیشتر دوست داری یا رفیقت را؟ گفت: برادرم را زمانی که رفیقم باشد).^(۲)
- ۴- سلام کردن، از آداب ورود به منزل است. «إِذَا دَخَلْتَ بَيْوتًا فَسَلِّمُوا»
- ۵- سلام، ادبی آسمانی، مبارک و پسندیده است. «تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ»
- ۶- سلام کردن، در خیر و برکت زندگی مؤثر است. «مَبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ»
- ۷- اهل خانه به منزله‌ی جان شما هستند. «سَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ»
- ۸- مرز حق و حقوق را باید خداوند تعیین فرماید. «يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ»
- ۹- در احکام الهی باید اندیشید. «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر مراغی.

﴿۶۲﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَأْذِنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و هرگاه با پیامبر بر کاری اجتماع نمایند، بدون اجازه او نمی‌روند. همانا کسانی که اجازه می‌گیرند، آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس (ای پیامبر!) اگر برای بعضی از کارهای خود از تو اجازه خواستند، به هرکس از آنان که خواستی (و مصلحت بود) اجازه بده و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن، که خداوند بخشنده و مهربان است.

نکته‌ها:

- در کتب تفسیر، درباره‌ی شأن نزول این آیه مطالب گوناگونی ذکر شده است که موارد عمده‌ی آن را در این جا می‌آوریم:
۱. این آیه، مربوط به «حنظله» است، که شب عروسی او فرمان حرکت به سوی أحد صادر شده بود. او با کسب اجازه از محضر پیامبر ﷺ به خانه رفت و مراسم زفاف را بجا آورد و بدون آن که غسل کند به جبهه رفت و به شهادت رسید. پیامبر فرمود: «فرشتگان او را غسل دادند». خداوند از همان یک شبی که حنظله با همسرش بود، فرزندی به او عطا کرد که ماجرای زندگی او مفصل است.^(۱)
 ۲. این آیه درباره‌ی منافقین است، که هرگاه با مردم بودند، به نماز می‌ایستادند و اگر کسی آنان را نمی‌دید و تنها بودند، از نماز فرار می‌کردند.^(۲)

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر کبیر فخر رازی.

۳. رسول خدا ﷺ گروهی را برای کاری اعزام فرمود، ولی آنان به سراغ کارهای شخصی خود رفتند، و این آیه در باره آنان نازل شد.

۴. این آیه در مورد مسلمانانی است که مشغول کردن خندق بودند و برای سرکشی به خانواده‌ی خود از پیامبر اجازه می‌خواستند.

□ اجازه گرفتن از رهبر، نشانه‌ی ادب، تسلیم، قانونمندی، عشق به رهبر و نظم و نظام است.

پیام‌ها:

- ۱- حضور در کنار رهبری، برای حل مشکلات، نشانه‌ی ایمان، و ترک آن نشانه‌ی نفاق یا ضعف ایمان است. «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ... كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ»
- ۲- در مسائل تشکیلاتی، که بر اساس همفکری و مشورت، تصمیم گرفته می‌شود، خودمحموری و خودمختاری ممنوع است. «عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا»
- ۳- در زندگی اجتماعی، وجود رهبر و پیروی از او لازم است. «عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا»

- ۴- ایمان باید همراه با تسلیم و اطاعت از رهبری باشد. «لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا»
- ۵- باید نظام اجتماعی و کارهای گروهی را ارج نهیم. «لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا»
- ۶- بعضی مسائل را باید سربسته گفت. «لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ»
- ۷- رهبری در اسلام، همراه با مصلحت‌اندیشی و رحمت است. «فَأَذْنِ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ - وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»

- ۸- تصمیم‌گیری نهایی با رهبر است. «لَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ» (پیامبر در مسائل جامعه، بر مردم ولایت دارد).

- ۹- رهبر باید در اعمال سیاست‌های خود انعطاف‌پذیر و واقع‌بین باشد. «فَأَذْنِ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ»

- ۱۰- اذن پیامبر، کار را مجاز و حلال می‌کند ولی نفس رها کردن کارهای عمومی، نیاز به استغفار دارد. «فَأَذْنِ... وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»

- ۱۱- طرح مسائل شخصی در هنگام اشتغال به کارهای عمومی، گرچه با اجازه

باشد، زیبا نیست و باید عذرخواهی کرد. «واستغفر لهم»
 ۱۲- استغفار و دعای پیامبر ﷺ برای دیگران، مستجاب است. «واستغفر لهم الله إن الله غفور رحيم»

﴿۶۳﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آن گونه که یکدیگر را صدا می‌زنید پیامبر را صدا نزنید. خدا می‌داند چه کسانی از شما مخفیانه و با پنهان شدن پشت سر دیگری از صحنه می‌گریزد. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید از این که فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا به عذاب دردناکی گرفتار شوند، بترسند.

نکته‌ها:

□ «تسلل»، خارج شدن پنهانی و «لواذ» پنهان شدن پشت سر دیگری است که این کار منافقان بود.

□ در مورد معنای این آیه، چهار احتمال وجود دارد:

- ۱- پیامبر را مثل دیگران، به اسم صدا نزنید. در روایت می‌خوانیم: «یا محمد»، «یا ابالقاسم» نگوئید، بلکه «یا رسول الله» و «یا نبی الله» بگوئید.^(۱) در روایت دیگر آمده است که این آیه درباره‌ی جانشینان معصوم آن حضرت نیز جریان دارد.^(۲)
- ۲- پیامبر را مثل دیگران، با صدای بلند صدا نزنید.^(۳)
- ۳- دعوت پیامبر را مثل دعوت دیگران نشمرید. اگر پیامبر ﷺ شما را به کاری مثل رفتن به جبهه و خواندن نمازجماعت دعوت کرد، حتماً اطاعت کنید و دعوت او را ساده نگیرید.
- ۴- دعای پیامبر را مثل دیگران ندانید، نفرین و دعای پیامبر مستجاب است، مواظب باشید.^(۴)

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. بحار، ج ۲۳، ص ۳۰۱. ۳. تفسیر مجمع البیان.

۴. تفسیر کبیر فخر رازی.

پیام‌ها:

- ۱- رهبری الهی، حریم دارد. هم نام او را با احترام ببرید و هم با تمام وجود تسلیم او باشید. ﴿لَا تَجْعَلُوا دَعَاءَ الرَّسُولِ...﴾
- ۲- ساده گرفتن پیام‌های رهبر و بی‌توجهی به آنها، فتنه و عذاب به دنبال دارد. ﴿فِتْنَةٌ أَوْ... عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾
- ۳- مخالفت فرمان خدا و رسول، یا فتنه‌ی دنیوی به دنبال دارد یا کیفر اُخروی. ﴿يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ... فِتْنَةٌ أَوْ تَصِيبُهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

﴿٦٤﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ

يَوْمَ يُزْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

آگاه باش! آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای خداست. بی‌شک آنچه (از افکار و نیات) را که شما بر آن هستید، می‌داند و روزی را که به سوی او بازگردانده می‌شوند، (می‌داند) پس آنان را به آنچه عمل کرده‌اند آگاه می‌کند و خداوند به همه چیز آگاه است.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند، آگاه به همه‌ی فکرها و نیّت‌هاست. ﴿قَدْ يَعْلَمُ... فَيُنَبِّئُهُمْ﴾
- ۲- ایمان به علم خدا، وند، وسیله‌ی بازدارنده از بدی‌هاست. ﴿يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ... فَيُنَبِّئُهُمْ﴾

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»